

سخنم تحریف شده  
پاسخ کوچک‌زاده به سازندگی

۴  
کانه

جوانمرد مظلوم  
درباره غلامرضا تختی

۵  
تاشا

کاوش در عمق تاریکی‌ها  
نگاهی به فیلم نورنبرگ

۶  
توسعه

بازار نفت زیر فشار عرضه  
ایران چند میلیون بشکه نفت روی آب دارد؟

## تشکیل مثلث

### تهران، ریاض و واشینگتن

پیشنهاد سیدحسین مرعشی  
برای برون‌رفت از بحران‌های اخیر

۲  
ایران



یادداشت روز

### نجات از بحران

همدلی و امید؛ حلقه مفقوده سیاست ایران



عبدالرضا فرجی‌راد

استاد ژورنالیستیک

با آغاز اعتراضات اخیر در ایران و افزایش فشارهای خارجی، یک پرسش اساسی دوباره و با صدایی بلندتر مطرح شده است. راه برون‌رفت از این وضعیت کجاست؟ آیا ما عملاً به بن‌بست رسیده‌ایم، یا هنوز می‌توان تصمیماتی گرفت که اوضاع را مهار و کشور را از مسیر فرساینده کنونی خارج کند؟

پاسخ روشن‌تر از آن است که گاهی وانمود می‌شود. ریشه بحران بیش از آنکه در بیرون از مرزها باشد، در داخل است. اگر گره‌ها در داخل باز نشود هیچ ابتکار خارجی کارساز نخواهد بود. سال‌هاست که هشدار داده می‌شود. انحصار تصمیم‌گیری، فاصله گرفتن از جامعه و بی‌اعتنایی به تقدما، سرانجام هزینه‌های سنگینی تحمیل می‌کند.

نخستین گام در شرایط کنونی، ایجاد احساس مشارکت در همه گروه‌های داخلی است. آزادی بخشی از زندانیان، باز شدن فضا برای فعالیت احزاب مختلف و مشورت با شخصیت‌های سیاسی و مسئولان کارآزموده گذشته می‌تواند، پیام روشنی به جامعه بدهد. اداره کشور نباید در انحصار یک حلقه محدود باقی بماند. رؤسای جمهور پیشین، مدیران باتجربه و چهره‌های ملی می‌توانند در کنار هم بنشینند و برای آینده برنامه‌ای طراحی کنند که با سرعت اجرا شود و فضای بهبود را در داخل شکل دهد. چنین فضایی می‌تواند، طرف‌های خارجی را به عقب‌نشینی وادارد و حتی مسیر گفت‌وگوهای سازنده را هموار کند.

ما بیش از هر چیز به تصمیمات جمعی نیازمندیم؛ تصمیماتی که هم بر مسائل داخلی اثر بگذارد و هم بر سیاست خارجی و تحولات منطقه‌ای. وقتی همه نیروهای مسئول و حتی منتقدان پایبند به اصل بقا و ثبات کشور در تصمیم‌سازی‌ها نقش داشته باشند، طبیعی است که روندهای تنش‌زا کاهش می‌یابد و امکان مدیریت بحران فراهم‌تر می‌شود.

در عرصه اقتصاد، واقعیت‌ها سرسخت‌تر از شعارها هستند. تحریم‌ها، کمبود منابع و پیامدهای یکسان‌سازی نرخ ارز، فشار را بر زندگی مردم افزایش داده است. بی‌مبالغه ناچیز، درد معیشت درمان نمی‌شود. دولت تلاش‌هایی انجام می‌دهد اما وقتی اعتماد عمومی فرسوده باشد حتی تصمیمات درست نیز اثرگذاری خود را از دست می‌دهند. بدون بازگرداندن گفت‌وگو، بدون پذیرش مسئولیت‌ها و بدون کنار گذاشتن کینه‌های قدیمی، هیچ نسخه اقتصادی شفابخش نخواهد بود. میدان باید برای دلسوزانی باز شود که دغدغه اصلاح دارند، نه برای کسانی که هزینه خطاهایشان را از جیب مردم می‌پردازیم.

ادامه در صفحه ۳

# در همسایگی آتش

۹ سال از درگذشت آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی گذشت

سیاست‌ها و شگردهای هاشمی در حل بحران‌ها و مواجهه با اعتراضات چه بود؟ سازندگی به نقش او در سالیان مختلف پرداخته است



در نهمین سالگرد درگذشت آیت‌الله اکبر هاشمی رفسنجانی ایستاده‌ایم؛ در زمستانی دیگر، با خیابان‌هایی که دوباره ملتهب‌اند، با اقتصادی که زیر بار حذف ارز ترجیحی، تورم مزمن و فرسایش معیشت خم شده و با دولتی که همزمان از داخل با اعتراض و از



اکبر منتجبی

سردبیر

بیرون با فشار خارجی، این بار در سایه سیاست‌های جدید و فشارهای ترامپ و پس‌لرزه‌های جنگ ۱۲ روزه احاطه شده است. تقارن این روزها تصادفی نیست. جامعه‌ای که اکنون در اعتراضات مختلفی ایستاده، به‌ناچار به حافظه تاریخی خود رجوع می‌کند؛ به مردی که سیاست را نه میدان شعار، که فن عبور از بحران می‌دانست. هاشمی رفسنجانی، بیش از آنکه محبوب باشد، مؤثر بود. بیش از آنکه قهرمان باشد، میانجی بود. در تاریخ جمهوری اسلامی، کمتر سیاستمداری را می‌توان یافت که این چنین در بزنگاه‌های متوالی، نقش «پل» را بازی کرده باشد. پل میان جنگ و صلح، انقلاب و دولت، ایدئولوژی و اقتصاد، داخل و خارج. اگر امروز نام او دوباره بر سر زبان‌هاست، نه از سرنوستالژی، که از سر اضطرار است؛ او بلد بود، کشور را از کنار آتش عبور دهد، نه از دل آن.

ادامه در صفحه ۸



آیت‌الله هاشمی رفسنجانی

نگران آینده کشورم

این روزها که مردم ایران از شرایط دشوار و مشکلات رنج می‌برند، بی‌شک در گذشته دوران آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که صداقت و نظافت و تلاش برای توسعه بود، حس می‌شود.

ایران ما، در گذر این سالها و دهه‌ها، در مسیر توسعه و رفاهیت و در نتیجه مشکلات داخلی است و امید مردم به تغییر و انقلاب است.

به مناسبت نهمین سالگرد رحلت  
**آیت‌الله هاشمی رفسنجانی**

صبح جمعه ۱۹ دیماه ۱۴۰۴ ساعت ۱۲:۳۰ در حسینیه شماره یک چارمن در چهار خانه سوره آیت‌الله هاشمی رفسنجانی گردهم می‌آیم تا یاد ایشان را گرمی بخوریم.

حضور شما مایه دلگرمی مردم و خانواده خواهد بود.

محسن هاشمی رفسنجانی

## گزارش

### امنیت در کنار معیشت

تشریح سیاست رسمی مسئولان در مواجهه با اعتراضات

**گروه سیاسی:** در پی تجمعات و اعتراضات اخیر در برخی نقاط کشور که عمدتاً با محوریت مطالبات معیشتی و اقتصادی شکل گرفت، روز گذشته مقامات ارشد دولتی، قضایی و انتظامی بار دیگر مواضع خود را درباره نحوه مواجهه با این رویدادها تشریح کردند. آنچه از مجموع این اظهارات برمی آید، تأکید همزمان بر به رسمیت شناختن حق اعتراض قانونی شهروندان، تلاش برای حل ریشه‌های مشکلات اقتصادی و در عین حال مرزبندی قاطع با هرگونه اقدام مخرب و تهدیدکننده امنیت عمومی است؛ رویکردی که از سوی مسئولان با عنوان «تفکیک اعتراض از اغتشاش» مورد تأکید قرار گرفته است.

رویکرد کلی دولت در روزهای اخیر، تعامل با معترضان و پرهیز از برخورد‌های امنیتی با مردم عنوان شده است. روز گذشته پس از پایان جلسه هیات دولت، محمدجعفر قانم‌پناه، معاون اجرایی رئیس‌جمهور، اعلام کرد که رئیس‌جمهور به‌صراحت دستور داده است تا جایی که به امنیت ملی خدشه‌ای وارد نشود، هیچ برخورد امنیتی با مردم معترض صورت نگیرد.

در همین چارچوب، حوادث رخ داده در بیمارستان امام خمینی ایلام نیز با واکنش مقامات دولتی همراه بود. سخنگوی دولت ضمن غیرقابل قبول دانستن هرگونه آسیب به مراکز درمانی از دستور رئیس‌جمهور و وزرای کشور و بهداشت برای بررسی حقوقی و قانونی این حادثه خبر داد. وزیر بهداشت نیز با رد ادعای پرتاب گاز اشک‌آور به داخل بیمارستان سینا، تأکید کرد که گزارش هیات اعزامی به ایلام به‌زودی تنظیم و منتشر خواهد شد. از سوی دیگر، زهرا بهروزآذر، معاون امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری، اعلام کرد که حدود ۱۰ درصد از افرادی که در جریان این وقایع به‌صورت کوتاه‌مدت نگهداری شدند، زنان بودند که پس از گفت‌وگو از آن فضا خارج شدند. در سطح قوه قضائیه نیز رئیس این قوه در دیدار با نمایندگان اصناف با بیان اینکه اعتراض برخی بازاریان به برخی اجرائیات قابل انکار نیست، تأکید کرد که این اعتراض‌ها به‌هیچ‌وجه به معنای مقابله با نظام نیست. او ریشه این مطالبات را «دلسوزی و دغدغه‌مندی» دانست و ضمن به‌حق خواندن خواسته‌هایی نظیر ساماندهی واردات و مبارزه با قاچاق، پیشنهاد داد نمایندگان اصناف برای حل مسائل خود به‌صورت مستقیم با دستگاه قضا در ارتباط باشند.

روز گذشته، اعتراضات و اعتصابات صنفی در اعتراض به شرایط اقتصادی در شهرهای مختلف کشور ادامه یافت. بر اساس گزارش ایسنا، بازارهای پایتخت شاهد وضعیتی دوگانه بودند. در حالی که خیابان‌هایی مانند جمهوری و لاله‌زار عمدتاً فعال بودند، بخش‌های مهمی از بازار بزرگ تهران، از جمله راسته‌های اصلی مانند طلافروشان و کفاش‌ها، و همچنین خیابان سپهسالار با تعطیلی گسترده روبرو بودند. در برخی مناطق دیگر مانند خیابان ملت و امیرکبیر نیز کسبه کرکره‌های مغازه‌های خود را تا نیمه پایین آورده بودند. این خبرگزاری همچنین از تجمع جمعی از بازاریان و کسبه در بخش‌هایی از بازار کرمان در اعتراض به مشکلات اقتصادی خبر داد. ایسنا پیش‌تر نیز گزارش داده بود که شامگاه دوشنبه ۱۶ دی ماه، تعدادی از کسبه در خیابان‌های احمدآباد، مدرس و بازار رضای مشهد در اعتراض به وضعیت معیشتی، مغازه‌های خود را تعطیل کرده و تجمعاتی محدود برگزار کردند.

در همین حال، روز گذشته برخی منابع خبری از برگزاری تجمعات اعتراضی و اعتصاب بازاریان در شهرهای متعدد دیگری از جمله مشهد، شیراز، تبریز، بندرعباس، قزوین، بجنورد، شهرکرد و فسا خبر دادند. فارس نیز شب گذشته گزارش داد که در جریان تجمع کسبه در لرگان و در پی تیراندازی‌های آشوبگران به عوامل فراجا در لرگان ۲ نفر شهید و ۳۰ نفر زخمی شدند.

در کنار این گزارش‌ها، برخی اخبار حاشیه‌ای نیز شفاف‌سازی شد. ازجمله، مدیریت دانشجویی دانشگاه تربیت مدرس در پی انتشار خبری درباره حضور آتش‌نشانان در خوابگاه دخترانه نرگس، اعلام کرد که این حضور ناشی از یک گزارش اشتباه بوده و هیچ حادثه‌ای رخ نداده است. طبق توضیحات ارائه شده، استفاده پیمانکار از مشعل گاز برای خشک کردن گچ دیوارها به اشتباه آتش‌سوزی تلقی شده بود.

# تشکیل مثلث تهران، ریاض، واشینگتن

## دیبرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران، راه برون‌رفت از بحران را در گرو ترمیم کابینه، آشتی ملی و یک دیپلماسی جسورانه برای پی‌ریزی بلوک اقتصادی در منطقه می‌داند

باشد. اولویت اصلی باید «ختی کردن فتنه مشترک ترامپ-تانیاهو» باشد. به عقیده او، با دیپلماسی فعال می‌توان روابط با اروپا و کشورهای عربی را ترمیم کرد تا تمرکز بر مدیریت رابطه با آمریکا قرار گیرد. او همچنین به فرصت تاریخی از دست رفته پس از سرنگونی طالبان و رژیم بعث عراق توسط آمریکا اشاره کرد و معتقد بود که در آن مقطع، امکان تنش‌زدایی و پذیرش اینکه «آمریکایی‌ها بدهی‌شان را به ما داده‌اند» وجود داشت اما این فرصت مغتنم شمرده نشد.

### نقد عملکرد دولت: کابینه حداقلی و باتکلیفی در تصمیم‌گیری

مرعشی در این گفت‌وگو انتقاداتی را متوجه دولت آقای پزشکیان کرد. او معتقد است که آقای پزشکیان با وجود وعده «عقلانیت در حکمرانی» در عمل توانسته است، انتظارات را برآورده کند. به گفته او، بزرگ‌ترین ضعف دولت، «به کار نگرفتن بهترین ظرفیت‌های کشور» است. تشکیل یک «کابینه حداقلی» به جای «کابینه حداکثری» است. او تأکید کرد که کشور را نمی‌توان با مدیران ضعیف اداره کرد حتی اگر تحریم‌ها برداشته شوند. او دولت را در «باتکلیفی کامل» توصیف کرد و از رئیس‌جمهور خواست تا با کنار گذاشتن ملاحظاتی، سریعاً کابینه را ترمیم کرده و «آدم‌های لایق» را برای حل مشکلات مردم به کار گیرد. از نظر مرعشی، مسائلی مانند مدیریت ناکارآمد فروش نفت و افزایش تعداد واسطه‌ها (تراستی‌ها) ربطی به تحریم ندارد و مصداق سوم‌مدیریت داخلی است.

### راهکار خروج از بحران: آشتی ملی، اقتصاد واقعی‌بنانه و کار سخت

مرعشی برای خروج از وضعیت فعلی، مجموعه‌ای از راهکارهای داخلی و خارجی را پیشنهاد داد:

**۱. تدابیر داخلی (اولویت اول):** مهم‌ترین گام، تقویت جبهه داخلی است. حکومت باید یک «گذشت بزرگ» انجام دهد. با مردم، هنرمندان، سلب‌ریتی‌ها و گروه‌های سیاسی آشتی کند و به معنای واقعی کلمه «نوکر مردم» را بکند. بهبود معیشت مردم و ترمیم دستمزدها به صورت فصلی (نه سالیانه) برای همگام شدن با تورم، کشور را در برابر فشارهای خارجی قوی‌تر می‌کند.

**۲. اصلاحات اقتصادی:** او با انتقاد از سیاست «ارز ترجیحی» که منجر به فساد گسترده شد، خواستار پذیرش واقعیت‌های اقتصادی شد. به گفته او، دولت باید به جای سرکوب دستوری قیمت‌ها با ترمیم حقوق و دستمزدها، قدرت خرید مردم را حفظ کند. همان‌طور که ترکیه با وجود تورم بالا این کار را انجام داده است.

**۳. واقعی‌بینی در مورد ثروت ملی:** مرعشی این تصور که «ایران کشوری ثروتمند است» را رد کرد و آن را دروغی تاریخی خواند. او تأکید کرد که ایران با اقتصادی حدود ۵۰۰ میلیارد دلاری در مقایسه با اقتصادهای چند هزار میلیارد دلاری منطقه و جهان «کشوری فقیر» است.

**۴. چشم‌انداز آینده:** او آینده ایران را وابسته به دو عامل کلیدی دانست: جلوگیری از مهاجرت نخبگان و بازگرداندن آنها به چرخه مدیریت کشور. به عقیده او، ایران این ظرفیت را دارد که در یک دوره ۲۰ ساله «کار سخت و متمرکز» و «بیه دور از» دخالت‌های سیاست و ایدئولوژی، در امور فنی و اقتصادی به یکی از قدرت‌های بزرگ جهان تبدیل شود. لازمه این امر، آماده‌سازی مردم برای یک دوره تلاش ملی و گفت‌وگویی صادقانه حکومت با آنها درباره واقعیت‌های تلخ اقتصادی است.

سیاست خارجی و چشم‌اندازی واقع‌بینانه برای آینده ایران تشریح کرد. دیبرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران، اعتراضات پراکنده اخیر که از بازار شروع شد را امری «طبیعی» و «نشانه حیات در جامعه» توصیف کرد. او معتقد است این اعتراضات که فعلاً توسط کسبه و بازاریان رهبری می‌شود هنوز به پیش‌بینی او منتهی بر «به خیابان آمدن گرسنگان» نرسیده



است. از دیدگاه او، سه نکته اساسی در مواجهه با این پدیده باید مورد توجه قرار گیرد:

**۱. حق اعتراض مردم:** حکومت باید حق اعتراض را به رسمیت بشناسد، مکان‌هایی برای تجمعات مشخص کند و اجازه دهد، مردم صدای خود را به گوش مسئولان، حتی با فریاد بر سر «مسئولان بی‌کفایت» برسانند.

**۲. پرهیز از رویکارهای سیاسی:** مردم و معترضان نیز باید مراقب باشند که اعتراضات صنفی و اقتصادی به سرعت به شعارهای ساختارشکنانه و انقلابی تبدیل نشود چراکه ایران به اندازه کافی هزینه انقلاب‌های بی‌دربری را پرداخته است.

**۳. برخورد منطقی حکومت:** حکومت باید با اعتراضات برخوردی منطقی داشته باشد، اطلاع‌رسانی شفاف را در دستورکار قرار دهد و اجازه ندهد، رسانه‌های خارجی روایت‌گر انحصاری این رویدادها باشند. صداسیما می‌تواند با برگزاری میزگردهای تخصصی با حضور نمایندگان معترضان، دولت و مجلس، فضا را برای گفت‌وگو و تفاهم باز کند.

### سیاست خارجی: خنثی‌سازی فتنه ترامپ-تانیاهو

بخش قابل توجهی از تحلیل مرعشی به حوزه سیاست خارجی و تهدیدهای ناشی از آن اختصاص داشت. او اظهارات تند دونالد ترامپ علیه ایران را عمدتاً «آلاف زدن برای گرفتن امتیاز بیشتر» در مذاکراتی دانست که به اعتقاد او در پشت پرده در جریان است. او با «اطمینان» بیان کرد که بر اساس اطلاعاتش، اسرائیل به دنبال آغاز جنگی جدید علیه ایران نیست و تندی‌های اخیر بیشتر جنبه تاکتیکی برای مذاکرات دارد.

مرعشی با اشاره به تاریخ، رابردر «شاه عباس صوفی» را به عنوان یک الگوی موفق برای شرایط کنونی ایران پیشنهاد کرد. شاه عباس به‌طور همزمان با سه جبهه (عثمانی، ازبک‌ها و پرتغالی‌ها) درگیر نشد؛ بلکه با تدبیر، ابتدا با عثمانی‌ها مصالحه کرد، ازبک‌ها را در شرق سرکوب نمود سپس با قدرت به سراغ دیگر دشمنان رفت. او نتیجه گرفت که ایران امروز نیز نمی‌تواند همزمان با آمریکا، اسرائیل، اروپا و جهان عرب درگیر

**گروه سیاسی:** درحالی که بسیاری از مذاکره مستقیم با آمریکا ایا دارند یا آن را بیهوده می‌دانند، سیدحسین مرعشی دیبرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران در گفت‌وگو با «خبرآنلاین» تعارفات را کنار می‌گذارد و برای نجات کشور از وضعیت فعلی، سنس‌خامی ترکیبی از تصمیمات داخلی و خارجی می‌پیشنهاد. او با ارائه پیشنهادهای جسورانه برای تشکیل یک مثلث همکاری میان تهران، ریاض و واشنگتن، معتقد است که باید اقتصاد را به ابزاری برای صلح تبدیل کرد و از ظرفیت فن‌سالاران برای عبور از این شرایط بهره برد. او همچنین در گفت‌وگو با رسانه «کاغذ سیاست» تحلیلی از ریشه‌ها و ابعاد بحران‌های کنونی کشور ارائه کرده و ضمن طبیعی دانستن اعتراضات اخیر، به نقد جدی عملکرد دولت، ارائه راهکارهای استراتژیک در سیاست خارجی و ترمیم چشم‌اندازی واقع‌بینانه برای آینده ایران پرداخته است. به باور مرعشی، شرایط پیچیده امروز ایران حاصل هم‌افزایی چند عامل بحران‌زا است که تصمیم‌گیری‌های فوری را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. ریشه اصلی این مشکلات، «ناراضی عمومی» گسترده از وضعیت اقتصادی، مشکلات فرهنگی و اجتماعی و ناکارآمدی سیستم اداری است. این ناراضی‌ها با تداوم تحریم‌های بین‌المللی و ضعف مدیریت‌های اجرایی، به‌ویژه در مهار موج تورم، تشدید شده و فشار بر معیشت روزمره، نگرانی مردم را دوچندان کرده است. او در کنار این مسائل داخلی به اعتراضات اشاره می‌کند که به نظر می‌رسد، بخشی از آن سازماندهی شده و با هدایت دشمنان خارجی ایران صورت می‌گیرد. این وضعیت با شیطنت‌های دشمنان خارجی، به‌ویژه تلاش آنها برای تشدید بحران داخلی جهت کسب امتیاز، پیچیده‌تر شده است. مرعشی برای برون‌رفت از این تنگنا، راهکارهایی را در دو عرصه داخلی و بین‌المللی ارائه می‌دهد. در حوزه مدیریت داخلی، او «ترمیم کابینه» را یک ضرورت فوری می‌داند و معتقد است، جایگزینی مدیران ناکارآمد و منفعل با «مدیران جسور، تصمیم‌گیر و کارساز» می‌تواند به آرامش جامعه و احیای امید کمک کند. او همچنین بر اهمیت «اتحاد نیروهای میانه» از اصولگرایان تا اصلاح‌طلبان، تأکید دارد و تشکیل تیم‌های فن‌سالار برای اداره کشور را حیاتی می‌شمارد. به عقیده او، شخصیت‌هایی مانند آقای پزشکیان یا آقای لاریجانی باید برچمدار گردآوری این نیروها شوند تا فرصت نقش‌آفرینی مؤثر برای آنها فراهم شود. در عرصه بین‌المللی، دیبرکل حزب کارگزاران راهکار اصلی را در تغییر محور سیاست خارجی به سمت «تقویت روابط با کشورهای خاورمیانه با هدف همکاری‌های اقتصادی وسیع» می‌داند. ابتکار عمل اصلی او، شکل‌گیری یک «همکاری سه‌جانبه بین ایران، عربستان و آمریکا» است. او می‌گوید: «لازم نیست الان وارد مذاکره دو جانبه با آمریکا شویم. من «مذاکره سه‌جانبه ایران، عربستان و آمریکا» را پیشنهاد می‌کنم. هدف از این مذاکره، پی‌ریزی یک بلوک اقتصادی مهم در خاورمیانه و آسیای میانه است. این پیشنهاد را به عنوان یک راهکار کاملاً شدنی و واقع‌بنانه مطرح می‌کنم». در نهایت، مرعشی بر اصل پاستخوگی تأکید کرده و معتقد است، کسانی که با «ترک فعل» خود کشور را به نقطه فعلی رسانده‌اند باید مسئولیت‌پذیرند و بهترین شکل این مسئولیت‌پذیری، ایجاد تغییرات مدیریتی برای بهبود شرایط است.

### اعتراضات داخلی: نشانه حیات جامعه

مرعشی همچنین در گفت‌وگو با رسانه «کاغذ سیاست» به واکاو ریشه‌های بحران کنونی پرداخت. او ضمن طبیعی دانستن اعتراضات اخیر و نقد جدی عملکرد دولت، راهکارهای استراتژیک خود را در

### جوایه

## سخنم تحریف شده

### پاسخ کوچک‌زاده به سازندگی

پس از انتشار گزارش «رویه ثابت یک نماینده» که درباره اظهارات مهدی کوچک‌زاده، نماینده مجلس علیه محمود جواد ظریف، وزیر اسبق امور خارجه بود، ایشان پاسخی برای روزنامه ارسال کرده است. متن توضیحات وی در پی می‌آید:

احتراماً در پاسخ به مطلب مندرج در صفحه دوم شماره ۲۱۳۸ آن روزنامه مورخ ۲۴ آذرماه ۱۴۰۴ پاسخ ذیل ارسال می‌گردد:

**۱.** مدعی شده‌اید که من ظریف را «نوکر بی‌جیره و موجب آمریکا» خوانده‌ام، چنین نیست و شما سخن من را تحریف کرده و دروغ گفته‌اید! من در مقام پاسخ به سوال ظریف که پرسیده «مگر می‌شود یک ارباب (در اینجا آمریکا) نوکرش را مورد ظلم (در مصداق مورد نظر ظریف «تحریم») قرار دهد» به مثل معروف «نوکر بی‌جیره و موجب» ارجاع داده‌ام تا ایشان متوجه شوند بلی! می‌شود کسی به دیگری خدمت و به‌عبارت واضح‌تر برای دیگری نوکر می‌کنند و نهایتاً جیره و موابجی دریافت نکنند،

عملکرد وی «عرف گفت‌وگوی سیاسی» را رعایت نکرده‌ام و نتیجه گرفته‌اید؛ مسئله اصلی اختلاف‌نظر سیاسی نیست. از آنجا که رویه روزنامه شماست که هر نقد و نظری را که نپسندد، به آن برچسب بزند، پاسخ من را با برچسب «حمله لفظی» توصیف نموده و نظر به اینکه اقرار کرده‌اید، ظریف نماد دیپلماسی دولت‌های میانه‌رو (بخوانید لیبرال‌های مورد قهر امام رضوان‌الله علیه که فرمود: تا من هستم نخواهم گذاشت حکومت به‌دست لیبرال‌ها بیفتد) است، قطعاً مسئله من و همه باورمندان به راه و آرمان امام رضوان‌الله علیه با امثال ظریف و لیبرال‌هایی که اگر بتوانند، حاصل همه خون‌های ریخته‌شده پای درخت توتمند انقلاب را یک‌شبه بر باد می‌دهند، یک «اختلاف نظر سیاسی» ساده نیست! که با رعایت عرف گفت‌وگوی سیاسی مدنظران مرتفع گردد!

**۳.** همان بهتر که: جماعت از خوددرازی‌ای که هر وقت در انتخابات‌ها شکست می‌خورند، زمین و زمان را متهتم کرده و همه قواعد دموکراسی ادعایی خودشان را لگدمال می‌کنند و من و امثال مرا که قانوناً نماینده مجلسیم با برچسب «ایدک‌کش عنوان نمایندگی» خطاب می‌کنند: ادبیات ما را دون شأن نمایندگی و ما را فاقد بلوغ سیاسی بدانند که اگر غیر از این بود، باید عزا می‌گرفتم!



متحدان خود کاملاً عمل‌گرایانه عمل می‌کنند. آنها منافع ملی، ثبات اقتصادی و محاسبات ژئوپلیتیکی خود را بر تعهدات ایدئولوژیک یا نظامی ترجیح می‌دهند. در نتیجه، کشورهای که به این دو قدرت به‌عنوان متحدان راهبردی تکیه می‌کنند، ممکن است در لحظات بحرانی دریابند که حمایت پکن و مسکو محدود است و آنها حاضر نیستند برای دفاع از شرکای خود وارد تقابل مستقیم و پرهزینه با غرب شوند. واقعیت‌های کنونی چشم‌انداز اتحاد در بلوک شرق را دگرگون کرده است. آنچه پیش‌تر یک پیمان دفاعی همه‌جانبه تلقی می‌شد، امروز به شکل شراکتی استراتژیک درآمد که مبتنی بر منافع کوتاه‌مدت و بلندمدت است و در درجه اول، تضمین‌کننده منافع ملی و امنیت اقتصادی چین و روسیه است. این تحول نشان می‌دهد که همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی دیگر صرفاً بر پایه تعهدات سنتی نیست بلکه با منافع ملموس و هدفمند کشورها پیوند خورده است.

ادامه یادداشت روز

نجات از بحران

در سطح عالی حاکمیت، بزرگ‌ترین خلأ، همدلی است. نبود این همدلی، تصمیمات را کند و جامعه را بی‌پناه می‌کند. درست است که بحران‌ها یک‌شبه حل نمی‌شوند؛ اما ناامیدی کاشته شده، اعتراض‌ها را تداوم می‌بخشد و بهانه را به دست بازیگران خارجی می‌دهد تا با تزیین ترس و بی‌اعتمادی، التهاب را عمیق‌تر کنند. وقتی مردم آینده‌ای روشن نمی‌بینند، هر جنگ روانی ساده‌تر اثر می‌گذارد.

نمایش‌های نظامی و تهدیدهای آشکار، بخشی از همین جنگ روانی است. اما مقصر اصلی بیرون نیست؛ پایه لقی است که در داخل رها شده. جامعه‌ای که بر سر حداقل‌ها هم به توافق نرسد، مانند میزی است که پایه‌اش شکسته باشد. بنابراین همگرایی داخلی، نه شعار که پیش‌شرط هر اقدام مؤثر است.

در اقتصاد، نشانه‌های اشتباه‌های مزمن به‌خوبی دیده می‌شود: تورم افسارگسیخته، بازنگشتن درآمد‌های نفتی و ماجرای تلخ سوءاستفاده‌ها. وقتی شنیده می‌شود ارز برای واردات کالا دریافت شده اما در بازار فروخته شده یا صرف واردات سودآورتر شده است، چگونه می‌توان از مردم خواست به نظام تصمیم‌گیری اعتماد کنند؟ این رفتارها با هر عنوانی خیانت به منافع عمومی است. دولت وظیفه دارد با اقتدار منابع از دست‌رفته را بازگرداند؛ اما تا زمانی که ساختارها شفاف نشوند و همدلی جای رقابت‌های فرسایشی را نگیرد، مشکل به شکل ریشه‌ای حل نخواهد شد.

امروز کشور بیش از هر زمان دیگری به انسجام، گفت‌وگوی واقعی و برنامه‌ریزی مشترک نیاز دارد. باید جسارت کنار گذاشتن نارضایتهای گذشته را داشت و فضا را برای فعالیت مسئولانه باز کرد. اصلاحات داخلی، تنظیم سیاست‌های منطقه‌ای و حرکت سنجیده به سمت مذاکره، نه عقب‌نشینی بلکه عین عقلا نیست است. در چنین شرایطی، طرف خارجی ناچار به عقب‌نشینی خواهد شد. تجربه‌های اخیر جهان نشان داده هرچا شکاف داخلی افزایش یافته، راه مداخله بیرونی هموارتر شده است. و نزول نمونه‌ای از این وضعیت است که اگر در داخل همگرایی و انسجام داشت، ترامپ جرأت ربودن مادورو را نداشت.

راه عبور، از بازسازی اعتماد، تصمیمات جمعی و بازگرداندن امید می‌گذرد. آینده این سرزمین با همدلی و شفافیت ساخته می‌شود، نه با تداوم شکاف‌هایی که امروز همه را نگران کرده است.

است؛ کشوری که میلیارد‌ها دلار سرمایه‌گذاری چینی در آن انجام شده در لحظه یورش آمریکا، هیچ حمایت عملی از دولت مادورو دریافت نکرد. این واقعیت سؤالی مهم را برای دیگر شرکای چین مطرح می‌کند: آیا پکن تنها «دوست روزهای آفتابی» است یا در توفان‌های سهمگین نیز قابل اتکا است؟ دلیل محتاطانه عمل کردن چین، وابستگی عمیق اقتصاد آن به بازارهای غربی و تمایل حزب کمونیست به حفظ ثبات اقتصادی است. در مقابل، روسیه تمایل بیشتری به استفاده از قدرت نظامی برای تأمین منافع خود دارد اما حمایت آن نیز گزینشی و محدود است. دکترین «جهان روسی» محور سیاست خارجی مسکو است؛ یعنی اولویت اصلی، حفاظت از روس‌زبانان و حفظ نفوذ در کشورهای استقلال‌یافته پس از فروپاشی شوروی است. متحدان خارج از این حوزه، مانند ایران، در اولویت‌های بعدی قرار می‌گیرند. شواهد نشان می‌دهد که به‌رغم لفاظی‌های ضدغربی، چین و روسیه در حمایت از

رفقای روزهای آفتابی!

لحظات حساسی که چین و روسیه حامی متحدان نیستند!



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

«روسیه با آمریکا روی ایران و اوکراین با هم معامله کرده‌اند که بر این مبنا روسیه، اوکراین را مورد حمله قرار دهد و آن طرف هم اجازه داشته باشد به سمت ایران بیاید. تاریخ به ما نشان می‌دهد که مواضع روسیه مستمراً علیه ایران بوده و همیشه ملت ایران را فروخته است». اما فراتر از این تحولات، در نظم نوین جهانی، چین و روسیه به‌عنوان دو قدرت بزرگ، رقیبی جدی برای هژمونی غرب به‌ویژه ایالات متحده محسوب می‌شوند. این دو کشور با منافع مشترک در ایجاد جهانی چندقطبی، روابط خود را به سطح «شراکت راهبردی جامع» ارتقا داده‌اند. با این حال، بررسی دقیق عملکرد آنها در بحران‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که این شراکت بیش از آنکه شبیه اتحاد نظامی متعهدانه‌ای مانند ناتو باشد، یک همکاری مصلحتی است که منافع ملی پکن و مسکو همواره در اولویت آن قرار دارد. سیاست خارجی چین عمدتاً بر پایه قدرت اقتصادی و دیپلماسی استوار است. سرمایه‌گذاری‌های کلان، اعطای وام و تبدیل شدن به شریک اول تجاری بسیاری از کشورها، ابزار اصلی نفوذ پکن است. اما زمانی که متحدانش با تهدید نظامی یا سیاسی روبرو می‌شوند، حمایت چین اغلب محدود به بیانیه‌های دیپلماتیک و محکومیت‌های لفظی می‌شود. بحران ونزویلا نمونه آشکاری از این رویکرد

در جهان امروز، روابط میان ابرقدرت‌ها و متحدان‌شان همواره با ابهام و سؤالات جدی روبرو بوده است. نمونه اخیر این ابهام، ربایش نیکولاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزویلا، توسط نیروهای آمریکایی است. بیت‌هگست، وزیر جنگ آمریکا، در جمع ملوانان و کشتی‌سازان آمریکایی با لحن تمسخرآمیزی گفت: «به‌نظر می‌رسد، پدافند هوایی روسیه آن شب خیلی خوب کار نکرد!» برخی تحلیلگران این رویداد را نتیجه یک معامله احتمالی میان ترامپ و پوتین می‌دانند. بر اساس این تحلیل، مسکو امیدوار است پس از سرنگونی مادورو با ترامپ بر سر اوکراین به توافق برسد؛ یعنی در ازای به رسمیت شناختن کنترل آمریکا بر ونزویلا، امتیازاتی در پرونده اوکراین دریافت کند. این تحلیل‌ها یادآور مواضع پیشین برخی مقامات ایرانی مانند محمود احمدی‌نژاد است که معتقدند روسیه در موضوعات بین‌المللی اغلب منافع ملی خود را بر متحدان خارج از حوزه نفوذ استراتژیکش ترجیح می‌دهد. رئیس‌جمهور اسبق در سال‌های گذشته مدعی شد:

دیپلماسی

نفی مذاکره

شرایط همچنان مهیا نیست!

**گروه بین‌الملل:** در روزهای اخیر، تحولات دیپلماتیک و نظامی میان ایران و ایالات متحده، چشم‌انداز منطقه خاورمیانه را بسیار دیگر در معرض تنش و ابهام شدید قرار داده است. اسرائیل هیوم گزارش داده که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، پیشنهاد ارائه شده از سوی استیو ویتکاف، فرستاده ویژه این کشور برای از سرگیری مذاکرات با ایران را رد کرده و در عوض یک «رویکرد فعال» را در پیش گرفته است؛ رویکردی که بر فشار اقتصادی و نظامی شدید به تهران تأکید دارد و گفت‌وگوی مستقیم را فعلاً به حاشیه می‌برد. این پیشنهاد، که با میانجی‌گری عربستان سعودی و عمان ارائه شده بود، شامل توقف موقت برنامه هسته‌ای ایران و تحت‌نظارت قرار دادن ۴۰۰ کیلوگرم اورانیوم غنی شده بود. هدف از این طرح، کاهش خطرات تهدیدکننده تأسیسات نفتی سعودی‌ها و تثبیت موقعیت امنیتی منطقه اعلام شد. با این حال در داخل دولت آمریکا، مخالفت جدی شکل گرفت؛ جناحی به رهبری مارکو رابو، وزیر خارجه و بیت‌هگست، وزیر دفاع، بر ادامه فشار فعال پافشاری کردند و معتقد بودند که توافق موقت نمی‌تواند، ضمانت‌های لازم برای مهار برنامه هسته‌ای و توان نظامی ایران را فراهم کند.

این اختلاف داخلی، پیش‌تر نیز از سوی منابع دیپلماتیک فاش شده بود. طیف ویتکاف، که جرد کوشر، مشاور ارشد و داماد ترامپ، نیز با آن همسو است، رویکرد مذاکره‌محور را ترجیح می‌دهد اما جناح فشار فعال معتقد است که تنها راه مهار ایران، استفاده از ابزارهای قوی اقتصادی و نظامی است. در این میان، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل و تیم همراهش، پرونده‌ای جامع از فعالیت‌های ایران ارائه کردند. سرلشکر رومن گوفا، دبیر نظامی نخست‌وزیر و رئیس آینده موساد، در دیدارهای اخیر با ترامپ پرونده‌ای شامل برنامه هسته‌ای، بازسازی سامانه موشک‌های بالستیک، شبکه جهانی ترور و حمایت ایران از گروه‌های نیابتی مانند حزب‌الله، حماس و حوثی‌ها را تشریح کرد. هدف این ارائه، تأکید بر این بود که هر توافق احتمالی با ایران موقتی است و تنها راه حل پایدار، برخوردی اساسی و تعیین خطوط قرمز دقیق است. پرونده ارائه‌شده همچنین نیات تهران و شبکه‌های نیابتی آن را برای حمله به اهداف و منافع آمریکا نه‌تنها در خاورمیانه بلکه در سطح جهانی تشریح می‌کند. منابع دیپلماتیک می‌گویند که تمام گزینه‌های واکنشی روی میز است و گرچه اقداماتی شبیه به ربایش نیکلاس مادورو در ونزویلا ممکن است برای ایران مناسب نباشد، پیام روشنی درباره توانایی دولت آمریکا برای استفاده



برای مذاکرات مبتنی بر منافع متقابل را داشته است اما سیاست‌های فعلی آمریکا اجازه شکل‌گیری چنین فرآیندی را نمی‌دهد. این اظهارات نشان می‌دهد که ایران هنوز به دیپلماسی علاقه‌مند اما همزمان در انتظار تغییر در رویکرد واشنگتن است.

وضعیت کنونی خاورمیانه بیش از آنکه حاصل یک بحران مقطعی باشد، بیانگر یک نقطه عطف تاریخی است که در کانون آن، تنش میان ایران و ایالات متحده قرار دارد. هرگونه تحول در این رابطه، چه به سمت درگیری و چه به سوی دیپلماسی، پیامدهایی دارد که از مرزهای دو کشور فراتر رفته و تمام منطقه و ساختار ژئوپلیتیک جهان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. تجربه جنگ محدود ماه ژوئن، که طرفین را تا آستانه یک رویارویی تمام‌عیار پیش برد، به روشنی نشان داد که هزینه یک درگیری نظامی گسترده تا چه حد می‌تواند برای همه طرف‌ها و برانگیز باشد. این درک مشترک از خطر شاید تنها نقطه اتکای دیپلماسی در شرایط فعلی باشد.

با این حال، مسیر پیش‌رو کاملاً مبهم است. از یک‌سو واشنگتن با همراهی تل‌آویو، سیاست «فشار حداکثری» را از طریق تحریم‌های شدید اقتصادی دنبال می‌کند تا ایران را به عقب‌نشینی از سیاست‌های منطقه‌ای و برنامه‌های نظامی خود وادار کند. از سوی دیگر، تلاش‌های دیپلماتیک منطقه‌ای برای ایجاد کانال‌های گفت‌وگو و کاهش تنش همچنان در جریان است. این دوگانگی، صحنه را برای یک پرسش اساسی آماده کرده است: آیا منطق گفت‌وگو و مصالحه بر منطق فشار و تهدید غلبه خواهد کرد، یا اصرار بر مواضع فعلی، منطقه را به سمت درگیری‌های گسترده‌تر و غیرقابل کنترل سوق خواهد داد؟ تصمیماتی که در ماه‌های آینده در پایتخت‌های تهران، واشنگتن و تل‌آویو گرفته می‌شود، نه‌تنها امنیت خاورمیانه بلکه توازن قدرت در سطح جهانی را نیز بازتعریف خواهد کرد و از این‌رو، جهان با نگرانی نظاره‌گر این رویارویی سرنوشت‌ساز است.

از ابزارهای غیرمعمول ارسال می‌کند. همکاری نزدیک واشنگتن و تل‌آویو در مدیریت پرونده ایران، سابقه طولانی دارد. با این حال، اکنون یک جدول زمانی دقیق برای نحوه برخورد با برنامه هسته‌ای و سامانه موشکی ایران تدوین شده است. در ماه ژوئن، این برنامه‌ها به آغاز جنگی محدود انجامید که با هماهنگی آمریکا و اسرائیل صورت گرفت و ترامپ شخصاً در بمباران تأسیسات فردو با بمب‌افکن‌های B-2 مشارکت داشت.

مسئله موشک‌های بالستیک، یکی دیگر از محورهای اصلی نگرانی آمریکا و اسرائیل است. ایران این برنامه را به‌عنوان ابزار مؤثر برای وارد کردن بیشترین آسیب به اسرائیل دنبال می‌کند و دولت آمریکا بر تعیین خطوط قرمز از جمله در زمینه تولید، مونتاژ و انتقال قطعات، اصرار دارد. منابع دیپلماتیک همچنین تأکید می‌کنند که تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، از جمله ممنوعیت صادرات نفت، در دستورکار واشنگتن باقی خواهد ماند و هدف از آن کاهش درآمدهای ناشی از نفت و فشار بر اقتصاد داخلی ایران است.

در کنار این تحولات، کشورهای منطقه نیز تلاش‌هایی برای کاهش تنش‌ها انجام می‌دهند. قطر در روزهای اخیر تماس‌هایی با طرف‌های ایرانی و آمریکایی برقرار و اعلام کرده که هنوز امکان راه‌حل‌های دیپلماتیک و سیاسی وجود دارد. عمان نیز درصدد احیای نقش میانجی خود است و رسانه‌ها از سفر قریب‌الوقوع وزیر خارجه عمان به تهران خبر داده‌اند. پنج دور مذاکره پیشین میان تهران و واشنگتن، که عمان میزبان آنها بود، در نهایت به جنگ ۱۲ روزه منجر شد اما تجربه گذشته نشان می‌دهد که عمان هنوز می‌تواند، نقش واسطه‌گری منطقه‌ای را بازی کند.

با وجود این تحولات دیپلماتیک، وزیر امور خارجه ایران، سیدعباس عراقچی، تأکید کرده است که شرایط فعلی برای مذاکرات فراهم نیست. او خاطرنشان کرده که جمهوری اسلامی هیچگاه میز مذاکره را ترک نکرده و همیشه آمادگی

تجسمی

## پدر نقاشی رنگ روغن

تمام پرت‌های یان وان آیک در گالری ملی لندن

برای نخستین‌بار در تاریخ، تمام پرت‌های به‌جامانده از یان وان آیک که تقریباً نیمی از کل آثار شناخته‌شده او را تشکیل می‌دهند، به‌طور هم‌زمان در «گالری ملی لندن» به نمایش گذاشته خواهند شد. نمایشگاه «وان آیک: پرت‌ها» از ۲۱ نوامبر در گالری ملی لندن برگزار خواهد شد و تا ۱۱ آوریل ۲۰۲۷ ادامه خواهد داشت.



پرت‌ه یک مرد (خودنگاره)

وان آیک تحت‌تأثیر هنرمندان معاصر خود، به‌ویژه نقاشان ایتالیایی و فلمانی، قرار داشت. او به‌تدریج تکنیک‌های نقاشی روغنی را به‌عنوان یک شیوه جدید در هنر نقاشی توسعه داد. این تکنیک به او این امکان را می‌داد که رنگ‌ها را به‌طور دقیق‌تر و با جزئیات بیشتری به تصویر بکشد. تأثیرات او بر هنر رنسانس شمالی به‌ویژه در استفاده از نور و سایه، و همچنین در واقع‌گرایی چهره‌ها و اجسام مشهود است. سبک هنری یان وان آیک به‌طور عمده تحت‌تأثیر رنسانس و تکنیک‌های نوآورانه‌ای است که او توسعه داده است. او به‌خوبی توانسته است احساسات انسانی و واقعیت‌های دنیای اطراف را در آثارش منعکس کند. کمتر هنرمندی به‌اندازه یان وان آیک چنین تأثیر بزرگی در تاریخ پرت‌نگاری به‌جای گذاشته است. این استاد رنسانس شمالی قرن پانزدهم از نخستین هنرمندانی بود که نه‌تنها اشراف‌زادگان یا خاندان‌های سلطنتی، بلکه خودش، اعضای خانواده‌اش و همچنین بازرگانان یا صنعت‌گران عادی را نیز به تصویر کشید. این چهره‌ها به لطف مهارت خاص وان آیک در استفاده از رنگ روغن با نوعی طبیعت‌گرایی شگفت‌انگیز نقاشی شدند. زندگی و آثار او تأثیرات عمیقی بر هنر نقاشی در اروپا گذاشته و او را به‌عنوان یک پیش‌گام در استفاده از تکنیک‌های جدید مطرح کرده است. آثار یان وان آیک به‌خاطر دقت، جزئیات دقیق و استفاده از رنگ‌های زنده و غنی شهرت دارند. نمایشگاهی که در ادامه سال میلادی جاری برگزار خواهد شد، چیره‌دستی و ایده‌های نوآورانه وان آیک را که مدت‌ها با لقب «پدر نقاشی رنگ روغن» شناخته می‌شد، به نمایش خواهد گذاشت. نمایشگاه «وان آیک: پرت‌ها» که تجربه‌ای تکرارشدنی محسوب می‌شود و در ماه نوامبر در گالری ملی لندن افتتاح خواهد شد، برای نخستین‌بار هر ۹ پرت‌ه این نقاش هلندی تبار را گرد هم می‌آورد. این تعداد تقریباً نیمی از ۲۰ اثر شناخته‌شده «فان آیک» است.

اما کاپرون (Emma Capron)، متصدی بخش نقاشان اولیه هلندی و آلمانی در گالری ملی، توضیح داد: «او با گسترش توانایی‌های نقاشی رنگ روغن با هدف به تصویر کشیدن توهمی قابل‌باور از واقعیت، ناگهان ما را با افرادی سرشار از زندگی، روبه‌رو می‌کند.» این پیشرفت مسیر تاریخ هنر را تغییر داد و بر بسیاری از تحولات بعدی در این منطقه، از جمله «عصر طلایی هلند» تأثیر گذاشت.

با توجه به اینکه بسیاری از نقاشی‌های وان آیک، بی‌نهایت ارزشمند و شکننده هستند، این آثار به‌ندرت جابه‌جا می‌شوند؛ بنابراین این نمایشگاه ممکن است تنها فرصت دیدن این آثار در کنار یکدیگر باشد. شاید هیچ مکانی شایسته‌تر از «گالری ملی لندن» برای گرمی‌داشت این رویداد وجود نداشته باشد. این مجموعه

پیش‌رو جهانی از استادان قدیم، از سال ۱۸۴۲ میزبان مشهورترین اثر «فان آیک»، یعنی «پرت‌ه آرنولفینی» (۱۴۳۴)، بوده است.

### جذابیت پرت‌ه آرنولفینی



ایمن پرت‌ه رموز که زن و شوهری احتمالاً ایتالیایی را به تصویر می‌کشد، هم‌چنان مورخان هنر را سردرگم کرده است. تفسیرهای متفاوتی از این نقاشی که مملو از نمادگرایی است، ارائه شده است، اما چند نکته وجود دارد که متخصصان بر سر آن‌ها توافق دارند. برای نمونه، ثروت این زوج به‌وضوح از طریق یک نشانه زیرکانه بیان شده است: پرتقال‌هایی که روی طاقچه پنجره قرار دارد. این جزئیات ممکن است برای بینندگان امروزی عادی به‌نظر برسد اما مخاطبان فلاندی قرن پانزدهم به‌خوبی می‌دانستند که این میوه وارداتی و عجیب، یک کالای تجملاتی بوده که فقط طبقات ممتاز توانایی خرید آن را داشتند.

### داستان یک نقاشی مشهور

در نمایشگاه پیش‌رو، «پرت‌ه آرنولفینی» برای نخستین‌بار در کنار تابلویی از حدود سال ۱۴۴۰ به نمایش گذاشته خواهد شد که همان مرد حاضر در «پرت‌ه آرنولفینی» را که گمان می‌رود «جیووانی آرنولفینی» نام داشته باشد، نشان می‌دهد. گالری ملی لندن هم‌چنین صاحب اثر «پرت‌ه یک مرد (خودنگاره؟)» از وان آیک است که به سال ۱۴۳۳ میلادی تعلق دارد. در این نقاشی مشهور، این هنرمند کلاهی سرخ و خیره‌کننده، متناسب با مد آن دوران، بر سر دارد. این نقاشی که به‌تازگی مرمت شده است، در کنار تابلو نقاشی «مارگارت، همسر هنرمند» (۱۴۳۹) آویخته خواهد شد. یکی دیگر از دستاوردهای تاریخی نمایشگاه پاییز امسال، به‌امانت گرفتن هم‌زمان دو اثر ارزشمند از موزه تاریخ هنر وین است. «پرت‌ه کاردینال نیکولو آلبرگاتی» (Cardinal Niccolò Albergati) (حدود ۱۴۳۱) و «Portrait of Jan de Leeuw» (حوالی ۱۴۳۶) پیش از این هرگز به‌طور هم‌زمان قرض داده نشده بودند.



پرت‌ه «مارگارت، همسر هنرمند»

# جوانمرد مظلوم

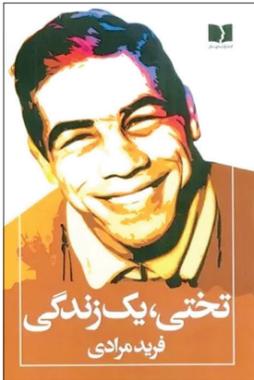
روایت فرید مرادی از چرایی ماندگاری غلامرضا تختی در حافظه جمعی جامعه ایران

### نماد مظلومیت و جوان‌مردی

مرادی در ادامه درباره‌ی این‌که روایت‌های رایج از زندگی و مرگ تختی تا چه حد با تازاب واقعیت تاریخی است و تا چه حد حاصل نیاز جامعه به یک قهرمان و پهلوان، می‌گوید: «امروز تختی در یاد و خاطره مردم نه تنها به‌عنوان یک قهرمان پرافتخار بلکه به‌عنوان انسانی دردمند که غم مردم را داشت ماندگاری یافته است، شاید افتخارات و عناوین ورزشی او در برابر صفات برجسته‌ی انسانی‌ش چندان دیگر رنگی نداشته باشد. شاید یکی از دلایل محبوبیت و ماندگاری او در فرهنگ ایرانی-اسلامی مظلومیت است. در سپهر اندیشه‌ی ما آدمی که مورد ستم قرار می‌گیرد، محبوب دل‌ها می‌شود. جامعه ایرانی که دل‌بسته و پاسدار فرهنگ تشیع نیز هست در چهره‌ی تختی و زندگی او مظلومیت را می‌بیند و بر همین اساس مهر او را در بُن جانش نشانده است. عنصر دیگر ماندگاری او جوان‌مردی است که در فرهنگ رسمی ایران به فتوت می‌رسد. تختی می‌کوشید تا جوان‌مردانه رفتار کند، چه با حرف‌های که پنجه در پنجه آن‌ها می‌افکند یا هر آنچه به دستش می‌رسد راحت آن را به دیگران می‌بخشید و گاه دست خودش تهی می‌ماند.

### هم‌سو با آرمان‌های اجتماعی جامعه

مرادی درباره‌ی توجه تختی با آرمان‌ها و مفاهیمی چون «عدالت» و «فتوت» و مردم‌داری او می‌گوید: «تختی در واقعیت انسانی دردمند بود، فرزند رنج و زحمت و تمام آنچه کسب کرد حاصل تلاش و از خودگذشتگی خودش بود، او حتی آبی هم از مردم فاصله نگرفت، هر چه مشهورتر و محبوب‌تر شد، افتادگی و فروتنی‌اش افزون‌تر شد، به واقع تختی همان بود که بود، پهلوان با وجود نمایان انسانی، دلسوز و هم‌سو با آرمان‌های اجتماعی جامعه. تختی دو خصلت پهلوانی و قهرمانی را با هم داشت، پهلوانی در فرهنگ ایران جدا از قهرمانی است، پهلوان انسانی است که برای مردم زندگی می‌کند، برای آنان سینه سپر کرده و در حل مشکلات مردم همواره پیش‌قدم



غلامرضا تختی محصول یک فرهنگ سنتی بود، در اندیشه او پهلوانی بیشتر جلوه داشت تا قهرمانی، از آغاز هم با انگیزه پهلوان شدن ورزش را شروع کرد، اما در جامعه‌ای که مردمش آمال و آرزوهای خود را در پیروزی‌های قهرمانانش جست‌وجو می‌کند، او نیز شاید ناخواسته در مسیر قهرمانی قرار گرفت. تختی مردی بود که در منگنه دو دنیای کهنه و نو گیر کرده بود.

### تختی نمی‌خواست اسطوره باشد

فرید مرادی، نویسنده کتاب «تختی، یک زندگی» در گفت‌وگو با ایننا به مناسبت سالگرد درگذشت غلامرضا تختی، درباره‌ی چرایی اسطوره شدن تختی در جامعه ایران و تغییر این نگاه در سال‌های اخیر می‌گوید: «در اسطوره‌های تاریخی ایران همواره پهلوانانی بوده‌اند که جنگیده و تسلیم نشده‌اند، آرش جانش را برای گسترش مرزهای ایران و جلوگیری از تحقیر ایرانیان در یک تیر می‌کند، رستم چون در برابر اسفندیار که نماینده قدرت قهار و فرادست جامعه است، تن به بند کشیده شدن نمی‌دهد، می‌ایستد و چون در برابر روئین‌تی اسفندیار چاره را از دست می‌دهد. به تدبیر سیمیرغ جان از اسفندیار می‌گیرد که نگویند پهلوان ایران‌زمین به ذلت افتاد. تختی در برابر خواست شاه که از او می‌خواهد دست از کشتی بردارد و مریی شود نه می‌گوید که گناهی نابخشودنی است، پس درها را به رویش می‌بندد و کاری می‌کنند که در میادین ورزشی هم ناکام بماند و بدین ترتیب در ذهن مردم نیز می‌کوشند اسطوره را درهم بشکنند. در تاریخ‌نگاری باید سخن تاریخ‌نگار متکی به اسناد و مدارک باشد در چنین شرایطی دیگر جایی برای اسطوره‌پردازی نمی‌ماند، جامعه نیز در صورت برخورد با واقعیات انتخاب درست را می‌کند. تختی خودش انسانی بود که باوری به اسطوره شدن نداشت، جامعه ایران نیز خاصه در سال‌های اخیر از اسطوره‌سازی و اسطوره‌پردازی فاصله گرفته و خود را با واقعیت‌زمانه بیشتر هماهنگ کرده است. قبول این کتاب و اقبال از آن ریشه در این امر دارد.»

### سینمای جهان

## کاوش در عمق تاریکی‌ها

نگاهی به فیلم بحث‌برانگیز سال؛ «نورنبرگ»

یکی از ماندگارترین لحظات فیلم است، نشان‌دهنده جاهل‌لی انسانی کلی است که در نهایت به یک بحران اخلاقی تبدیل می‌شود.

### الهه دره‌شامی

گروه سینما، تئاتر و تلویزیون

### رابطه پیچیده کلی و گورینگ

در مرکز داستان، رابطه پیچیده میان کلی و گورینگ قرار دارد. گورینگ، که زمانی دومین مرد قدرتمند رایش سوم بود، حالا در زندان نورنبرگ، تحت نظارت دقیق سرهنگ برتون سی. آندروس (با بازی جان اسلتری)، زندانی است. فیلم با دقت به جزئیات انسانی گورینگ می‌پردازد؛ او نه یک هیولای مطلق، بلکه مردی کاریزماتیک و باهوش است که با شوخ‌طبعی و اقتدارش، حتی زندانبانان را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. راسل کرو در این نقش، یکی از بهترین بازی‌های دوران حرفه‌ای‌اش را ارائه می‌دهد. اقتدار گورینگ در صحنه‌هایی که او با زندانبانان دیگر بحث می‌کند یا در دادگاه شهادت می‌دهد، به‌وضوح دیده می‌شود. کرو، که پیش‌تر در فیلم «ذهن زیبا» نقش جان نش

در دنیای سینما، فیلم‌هایی که به بازسازی رویدادهای تاریخی می‌پردازند اغلب نقش آینه‌ای را ایفا می‌کنند که نه‌تنها گذشته را بازتاب می‌دهند، بلکه سوالاتی عمیق درباره حال و آینده بشر مطرح می‌کنند. فیلم «نورنبرگ» به کارگردانی جیمز وندربیلت، که در سال ۲۰۲۵ اکران شد، یکی از این آثار است. این فیلم، براساس کتاب «نازی و روان‌پزشک» نوشته جک ال-های، به بررسی دادگاه‌های نورنبرگ پس از جنگ جهانی دوم می‌پردازد و تا تمرکز بر روابط روان‌شناختی میان یک روان‌پزشک آمریکایی و هرمان گورینگ، یکی از رهبران ارشد نازی، لایه‌های پیچیده‌ای از اخلاق و سیاست را کاوش می‌کند؛ با بازی‌های درخشان رامی مالک در نقش داگلاس کلی، روان‌پزشک ارتش آمریکا و راسل کرو در نقش گورینگ. فیلم نه‌تنها یک درام تاریخی است، بلکه یک تریلر روان‌شناختی‌ست که تماشاگر را وادار به تأمل در مرزهای خیر و شر می‌کند. در این یادداشت به جنبه‌های ریز انسانی، سیاسی و اجتماعی فیلم می‌پردازم. با تأکید بر بازی کاراکترها، دیالوگ‌های ماندگار و نکاتی که فیلم را فراتر از یک بازسازی تاریخی می‌کند.

### آغاز؛ بعد از جنگ جهانی دوم

فیلم بلافاصله پس از پایان جنگ جهانی دوم آغاز می‌شود، جایی‌که ویرانه‌های آلمان، نمادی از شکست آیدنولوژی نازی است. داگلاس کلی، یک روان‌پزشک جوان و جاه‌طلب ارتش آمریکا، مأموریت می‌یابد تا رهبران نازی زندانی را ارزیابی کند تا مطمئن شود آنها از نظر روانی برای محاکمه آماده هستند. اما مأموریت او فراتر از این است؛ کلی به‌دنبال تعریف روان‌شناختی از «شر» است تا بتواند جلوی تکرار فجایعی مانند هولوکاست را بگیرد. او به سرایز مترجمش، ستوان هوای تریست (با بازی لئو وودال)، می‌گوید: «اگر بتوانیم شر را از نظر روان‌شناختی تعریف کنیم، می‌توانیم مطمئن شویم که چیزی مانند این هرگز تکرار نمی‌شود». این دیالوگ، که

N U R E M B E R G

گزارش: سینمای جهان

## بازمانده گوریل انگوری

به یاد امیر هوشنگ قطعه‌ای، صدایشه ایرانی

و ناراحتی، می‌توانست سیل راه بیاندازد. هر وقت اشتباه می‌کند، می‌گوید: «متاسفم!»

### گوریل انگوری در ایران

یکی از محبوب‌ترین کارتون‌های دهه شصت و زمانی که تلویزیون انیمیشن‌های مطرح آن زمان را پخش می‌کرد. اما یکی از نقاط قوت کارتون گوریل انگوری برای ایرانیان، صدایشگی آن بود. امیر هوشنگ قطعه‌ای، مدیر دوبلاژ بود و صادق ماهرو به جای گوریل انگوری صحبت می‌کرد. اصغر افضلی نیز صدایشه بیگلی بیگلی بود و صداهای جذاب و استثنایی دیگری مانند مهدی آذیر، شهرزاد ملک‌آزایی، عباس سعیدی و توح نصر روی دیگر کاراکترها صحبت کردند. نکته جالب اینجاست که از آن کارتون محبوب و از تیم سازنده اصلی تا صدایشگان ایرانی تنها توح نصر باقی‌مانده است و دیگران در این دنیا نیستند. امیر هوشنگ قطعه‌ای در ۱۸ دی ۱۳۹۰ درگذشت در حالی که صادق ماهرو در ۶ دی ۱۳۹۳ و اصغر افضلی نیز روز ۱۰ شهریور ۱۳۹۲ از دنیا رفتند. مهدی آذیر یکی از خاص‌ترین و منعطف‌ترین صدایشگان تاریخ دوبله ایران که مانند دیگر اعضای دوبله گوریل انگوری، تخصص ویژه‌ای در تپ‌سازی به‌خصوص برای شخصیت‌های کارتون‌ها داشت نیز در اسفند ۱۳۶۶ در سن ۴۵ سالگی، شهرزاد ملک‌آزایی در روز ۲۹ دی ۱۴۰۱ و عباس سعیدی در بهمن ۱۳۸۴ درگذشتند. اما همان‌طور که گفته شد، تقریباً تمامی افراد مهم اثر اصلی نیز اکنون دیگر در این دنیا نیستند. باب هولت صدایشه اصلی گوریل انگوری در سال ۱۹۸۵، مارتین اینگرمن صدایشه بیگلی در سال ۲۰۱۵، جوزف باربارا و ویلیام هانا دو مؤسس هانا و باربارا که کارتون‌های موفق «تام و جری» و «یوگی و دوستان» نیز از محصولاتش بود نیز به ترتیب در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۱ از دنیا رفتند. هویت کوریتین آهنگساز گوریل انگوری که با کمپانی هانا-باربارا کار می‌کرد نیز در سال ۲۰۰۰ درگذشت.

### گوریل انگوری زنده است؟

در حالی که تنها بازمانده این کارتون خاطره‌انگیز، صدایشه و بازیگر سرشناس، توح نصر است اما به نظر گوریل انگوری دست‌کم در ذهن کسانی که آن را در روزهای خاص و متفاوت دهه شصت دیده‌اند، هنوز زنده است. گوریل ۱۲ متری و مهربانی که در هر قسمت یک اتفاق هیجان‌انگیز را به همراه دوست کوچکش بیگلی بیگلی انجام می‌داد، کماکان جزئی از خاطره جمعی کودکان و بزرگان دهه شصت ه.ش است. با این وجود، بخش مهمی از این ماندگاری در ذهن جامعه ایرانی، مدیون و مرون دوبله آن است. کاری که امیر هوشنگ قطعه‌ای با کمک صادق ماهرو و اصغر افضلی و دیگر صدایشگان قدرتمند دوران طلایی دوبله انجام داد و هنوز هم به‌اندازه زمان خودش واحد زیبایی و جذابیت است.

### درباره میمون بزرگ بنفش

گوریل انگوری یک کتاب کمیک کوچک هم داشت که در سال ۱۹۷۶ و تنها در دو شماره توسط چارلتون کمیک منتشر شد. خارج از کمیک‌های آمریکایی، گوریل انگوری در سه کمیک سالانه در انگلستان از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۰ حضور داشت. اندازه گوریل انگوری در کارتون اسکویی دو یا یوگی و دوستان متغیر بود. گاهی همان ۱۲ متر و گاهی حدود یک یا ۲ متر بود. او همچنین در یک قسمت از سریال، ماجراهای ترسناک بیلی و مندی با عنوان بیلی و مندی غول‌آسا: حمله تمام‌عیار، حضور کوتاه داشت. گوریل انگوری و بیگلی بیگلی در یک تیزر تبلیغاتی در سال ۲۰۱۲ هم حضور کوتاه داشتند.



«گوریل انگوری» یکی از محبوب‌ترین کارتون‌هایی است که در دهه ۶۰ از تلویزیون ایران پخش می‌شد. داستان یک گوریل بزرگ ۱۲ متری که روی ماشین کوچک دوستش بیگلی می‌نشست و اتفاقات جالب توجهی را رقم می‌زد.

### صدایشگان و سازندگان

۱۴ سال پیش در روز چهاردهم دی ماه (۱۳۹۰) یکی از بهترین مدیر دوبلاژها و صدایشگان ایرانی در سن ۷۵ سالگی درگذشت. امیر هوشنگ قطعه‌ای، که هر چند صدایی بسیار منعطف و زیبا داشت اما بیشتر فعالیت‌اش در کنار اغلب نقش‌های کوچک‌تر، مدیریت دوبلاژ بود. بی‌شک یکی از مهم‌ترین و به‌یاد ماندنی‌ترین آثار امیر هوشنگ قطعه‌ای، مدیر دوبلاژی مجموعه انیمیشن گوریل انگوری بود که در دهه ۶۰ از تلویزیون پخش می‌شد و مخاطبی فراتر از کودکان و نوجوانان داشت. با این حال اکنون که نزدیک به نیم قرن از ساخت و پخش این مجموعه می‌گذرد، تنها فرد باقی‌مانده از گروه اصلی این کارتون (چه سازندگان و چه صدایشگان) است.

### گوریل انگوری چیست؟

مجموعه تلویزیونی «گوریل انگوری» یک کارتون آمریکایی است که توسط هانا-باربارا تولید و از پاییز سال ۱۹۷۵ پخش آن از شبکه ای.بی.سی آغاز شد. بازیکن این مجموعه ۱۶ قسمتی تا سال ۱۹۷۸ نیز ادامه داشت.

### داستان گوریل بزرگ و سگ کوچک

شخصیت اصلی این کارتون یک گوریل بزرگ است که در فارسی به گوریل انگوری ترجمه شده است. صدایشه این گوریل ۱۲ متری و بنفش با ذهنی کودکانه در نسخه اصلی باب هولت بود. شعار گوریل انگوری در انگلیسی «Grape Ape» که معنای فارسی‌اش می‌شود: «گوریل انگوری، گوریل انگوری» که در دوبله فارسی این کارتون خلاصه شده‌اش «انگوری انگوری» توسط صادق ماهرو، صدایشه‌اش گفته شد.

او همیشه همراه دوستش که سگی کوچک به نام بیگل با صدای مارتی اینگلز است، سفر می‌کند و او را «بیگلی بیگلی» صدا می‌زند. با این حال اندازه بزرگ این گوریل بنفش، اغلب موجب ترس و وحشت افراد و حیوانات شده و آنها را وادار به فرار می‌کند، در حالی که فریاد می‌زند: «والله ای بی گوریل بی‌لیل‌لیل». غیر از یک مورد استثنایی در قسمت ۱۱ این مجموعه که رزی الیدی با صدای جانث والدو، وقتی بیگل از او پرسید چرا با دیدن گوریل انگوری مانند بقیه جیغ نکشید، گفت: «ایک گوریل بنفش ۱۲ متری را که دیدی؟! همه‌شان همین هستند». یا در یکی از قسمت‌ها به نام «بیگل و چهل خوشه انگور» وقتی یک نابولی چوبی که روی آن نام شهر نوشته شده بود، گوریل انگوری را دید، وحشت‌زده شده و به تدریج صدای فریاد «والله ای!» را نشان داده و پس از آن خودش را جمع کرده و گریخت.

### شخصیت گوریل انگوری

گوریل انگوری و بیگلی معمولاً با یک ون زرد رنگ و کوچک سفر می‌کنند. بیگلی راننده است و گوریل روی سقف می‌نشیند که به‌طور معجزه‌آسایی وزن او را تحمل می‌کند؛ و یک صحنه بود که در اکثر قسمت‌ها تکرار می‌شد و او ماشین کوچک را مثل یک ماشین اسباب‌بازی کوچک به حرکت درآورده سپس سوار می‌شد. یا در زمان راه رفتن، گام‌هایی که برمی‌داشت باعث می‌شد بیگلی به هوا پرتاب شود. عطرش هایش مثل توفان و اشک‌هایش در زمان دل‌تنگی



به ذلت سپردن ترجیح داد.» او در ادامه دربارهٔ تنگناها و مشکلاتی که تختی را به سوی مرگ کشاند، گفت: «نخست، بحران در زندگی خانوادگی‌اش که هم همسر جوانش و خاصه خواهر بزرگش، بدون توجه به شرایط روحی او محیط زندگی شخصی را برای او تحمل‌ناپذیر کردند. دوم، فشار نهادهای امنیتی و حاکمیتی که تحمل بودن او را نداشتند و تمام راه‌های گذران عادی زندگی را به روی بستند، تا بحران زندگی خانوادگی‌اش هم بیشتر تشدید شود. سوم، به پایان آمدن دوران ورزشی و قهرمانی‌اش نبود چشم‌اندازی که حتی به عنوان مربی به تداوم حضورش در فضای ورزشی کمک کند. تختی عاشق کشتی بود، چون مهم‌ترین پل ارتباطی او با مردم بود، که خود این موجب غم و افسردگی او بود. در مجموع تنگنایی که تختی در آن گیر کرده بود، راهی برای برون‌رفت نداشت، پس او نیز آگاهانه مرگ را برگزید. تختی با مرگ خود خواسته که دست بر قضا رژیم می‌کوشد آن را تا حد اختلافات خانوادگی فروکاهد، به‌نوعی دیگر اقتدار پهلوانانه خود را اثبات می‌کند، گویی با مرگش می‌گوید در چنین زمانه و با فضا حتی این‌گونه که دامن همه چیز را آلوده کرده است، مرگ بر زندگی رجحان و شرف دارد. مرگ تختی مرگ آگاهی است در برابر جهالت و چشم فرو بستن و به دامن قدرت مسلط غلتیدن، مگر کم بودند ورزشکارانی که سر به آستان بندگی نهاده و ردای وکالت بر تن کردند تا به نان و نوایی برسند یا بازیگر سینما شدند یا تبدیل به عنصری در دست نهادهای تبلیغاتی شدند اما تختی از جنم دیگری بود، برای او مردم عزیز بودند و در تمام عمر کوتاهش، منش و منشوی او سمت‌وسوی مردمی دارد و همین شد که محبوب مردم ماند و در چشم مردم همیشه قهرمان باشد. وقتی رشته حیانتش را برید حتی مرگش نیز افسانه‌ای شد که تیر تهمت را به سمت رژیم نشانه گرفت که از ترس تختی را کشتند. مرگش یک ایران را به جنبش و تکاپو و اعتراض کشاند، چیزی که در چشم‌انداز تفکر سیاسی‌اش آرزویش را داشت.»

### تختی در تنگنا

فرید مرادی دربارهٔ ابهامات در خصوص مرگ تختی و این که چرا اقدام به انتحار کرد، می‌گوید: «اگر چه هنوز هم در مورد مرگ او گمانه‌زنی‌هایی وجود دارد، اما تختی در تنگنایی چند سویی گیر کرد و به باور من آگاهانه مرگ را برگزید. شاید مهم‌ترین دلیل مرگ تختی، تنهایی هولناکی بود که او را در احاطه خود داشت. تختی در تمام زندگی‌اش کوشید تا برای مردمی بایستد که دوستش داشتند و او را تجلی آمال و آرزوهای خود می‌دانستند و وقتی فهمید دیگر چیزی ندارد که تقدیم مردم کند، رفتن را بر ادامه دادن زیر فشار و یا تند

فراموش می‌کند، وظیفه‌اش چیست. در مقابل، کرو با تسلط کامل بازی می‌کند، حتی درحالی که گورینگ، آگاهانه تماشاگر را در فاصله‌ای امن نگه می‌دارد.» با این وجود نقش او، فیلم را به یک مطالعه روان‌شناختی عمیق تبدیل می‌کند. از نظر تئوری سیاسی، فیلم به فضای عدالت پیروزمندان اشاره می‌کند. دادگاه نورنبرگ، جایی که رهبران نازی به‌خاطر جنایات علیه بشریت محاکمه می‌شوند، در فیلم به‌عنوان یک نقطه عطف تاریخی نشان داده می‌شود. فیلم همچنین سسوال می‌کند: چرا تنها آلمانی‌ها متهم شدند؟ گورینگ در یکی از دیالوگ‌های معروفش در دادگاه می‌گوید: «شما می‌دانید چرا این اتفاق افتاد؟ مردم اجازه دادند، اتفاق بیفتد. آنها تا وقتی دروغ شده بود، نایستادند.» این دیالوگ، نکته‌ها به‌مسئولیت مردم آلمان اشاره دارد، بلکه به‌طور غیر مستقیم به جنایات دیگر کشورها می‌پردازد.

گاردین مانند دیگر نقدها، بازی راسل کرو را در این فیلم ستود و همچنین در ارتباط با کارگردانی فیلم نوشت: «از نظر کارگردانی، فیلم رویکردی ساده و بی‌پیرایه دارد و وندریبلت به‌درستی تمرکز را بر بازی‌های قدرتمند، به‌ویژه از سوی مالک و کرو، گذاشته است. کرو به‌خصوص در نقش رایخ مارشال بالهت، هراس‌انگیز و حسابگر، بسیار تأثیرگذار ظاهر می‌شود.»

### اردوگاه کار اجباری

فیلم با نشان دادن اردوگاه‌های کار اجباری هیتلر، صحنه‌هایی از فیلم‌های آرشیوی که تماشاگر را شوکه می‌کند و هم‌زمان به ذهن تماشاگر تلنگر می‌زند که آمریکایی‌ها نیز تاریخ تاریکی دارند: آزار و اذیت سیستماتیک سرخ‌پوست‌ها، که شامل اردوگاه‌های مشابه و نسل‌کشی بود. اگر آلمان شکست نمی‌خورد، آیا این دادگاه برگزار می‌شد؟ فیلم پیشنهاد می‌کند که عدالت اغلب به دست پیروزمندان نوشته می‌شود و اگر همه کشورها به‌خاطر جنایاتشان متهم می‌شدند، دادگاه نورنبرگ تنها آغاز یک زنجیره طولانی می‌بود. این تم سیاسی، فیلم را به یک نقد اجتماعی تبدیل می‌کند، جایی که مرزهای ملی‌گرایی بررسی می‌شود و از جنبه اجتماعی، فیلم به مفهومی که هانا آرنت مطرح کرد، می‌پردازد و شاید جمله پایانی فیلم از آر.جی. کالینگ‌وود که می‌گوید: «اتنها سرنخ توانایی انسان، کارهای انجام‌شده اوست.» بیشتر به شناخت آنچه مضمون فیلم بوده، کمک کند.

شاید همان‌طور که وراثتی نوشت: «نورنبرگ کاملاً یک فیلم اسکار پسند کلاسیک است. مملو از میزانشن‌های رسمی استودیویی مانند ویرانه‌های بمباران شده، دادگاهی با نورهای تیره و گرم، بازیگران سرشناس در نقش چهره‌های مهم تاریخی. فیلم بیشتر شبیه معتبرترین درام هالیوودی جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۸۸ است: پرزرق‌وبرق، عبوس و مهم، با اشاره‌های نه‌چندان پنهان به اوج‌گیری تعصب و ضرورت حفظ معیارهای بین‌المللی عدالت در جهان امروز.»

را بازی کرده بود، جایی که شخصیت‌اش گاهی بی‌خیال خانواده و اطرافیان می‌شود، اینجا نیز گورینگ را به‌عنوان پدرو نشان می‌دهد که نسبت به همسر و فرزندان بی‌تفاوت است، گویی ایدئولوژی نازی تمام وجودش را تسخیر کرده. این بی‌خیالی، منتها یک ویژگی شخصی، بلکه نمادی است از اینکه چگونه ایدئولوژی، می‌تواند روابط انسانی را نابود کند. بازی جان اسلتری در نقش رئیس زندان (سررنگ آندروس) نیز شایسته تحسین است. آندروس مردی است که وظیفه‌اش حفظ زندانیان برای محاکمه است، اما در عین حال با نفرت عمیقی از نازی‌ها دست‌وپنجه نرم می‌کند. اسلتری این نقش را با ترکیبی از سخت‌گیری نظامی و لحظات انسانی بازی می‌کند؛ مثلاً در صحنه‌ای که او با گورینگ درباره قوانین زندان بحث می‌کند، اقتدارش بدون نیاز به فریاد زدن، احساس می‌شود. این بازی، یادآور نقش‌های کلاسیک در فیلم‌های جنگی است، جایی که شخصیت‌ها نه سیاه و سفید، بلکه خاکستری هستند. رامی مالک در نقش کلی روان‌پزشک، نقدهای متفاوتی را گرفت. گاردین در این رابطه نوشت: «در این روایت پشت‌پرده از دادگاه‌های نورنبرگ، راسل کرو به‌طریقی هوشمندانه برای بازی در نقش نازی متکبر انتخاب شده، اما رامی مالک در نقش روان‌پزشک ارتش، داگلاس کلی، به‌شدت مضحک از کار درآمده است.» او کلی را به‌عنوان مردی نشان می‌دهد که ابتدا با هیجان علمی به ارزیابی نازی‌ها می‌پردازد، اما در همین حین به عمق تاریکی ذهن آنها نیز پی می‌برد. وراثتی اما در نقد فیلم و بازی رامی مالک نوشت: «رامی مالک، با وجود انرژی گفت‌وگو‌محورش، نوعی ناملنی عجیب به نقش می‌آورد، تا جایی که کلی با بازی او انگار در طول مسیر



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

صنوف چشمگین

بدون ثبات، چه بر سر اصناف می‌آید؟

حسین عبده‌تبریزی

اقتصاددان

سخن از حدود سه میلیون واحد صنفی است که اگر خانواده‌هایشان را نیز در نظر بگیریم، دست‌کم ۱۰ میلیون نفر را در بر می‌گیرد؛ جمعیتی هم‌سنگ یک طبقه اجتماعی بزرگ. با این حال، تصور رایج همچنان آن است که «بازار» طبقه‌ای برخوردار، مقاوم و سرشار از ذخایر مالی است؛ گویی همه مغازه‌داران وارث سرمایه‌های انباشته و شبکه‌های حمایتی گسترده‌اند. واقعیت امروز اما فاصله‌های معنادار با این تصویر دارد. اکثریت قاطع واحدهای صنفی (می‌توان با اطمینان گفت بیش از ۹۰ درصد) درگیر تأمین حداقل‌های معیشت هستند. درآمد بسیاری از آنها به‌سختی هزینه اجاره و دستمزد را پوشش می‌دهد و چیزی برای پس‌انداز یا سرمایه‌گذاری باقی نمی‌گذارد. فرش‌فروشی در قلب بازار تاریخی تبریز، سه سال پیش در نیمه‌های سال، آرام در گوشه گفت: «امسال تا الان فقط دو تخته قالیچه فروخته‌ام». این روایت نه یک استثنا بلکه نشانه‌ای از رکودی فراگیر است؛ رکودی که نه به شهری خاص محدود می‌شود و نه به صنفی معین. افزایش بی‌رویه واحدهای صنفی در چند دهه گذشته (که اغلب به منبع درآمد شهرداری‌ها بدل شده‌اند) در کنار رقابت فرساینده، گسترش فروشگاه‌های زنجیره‌ای، هایپرمارکت‌ها، مال‌ها و در نهایت فضای مجازی، حاشیه سود واحدهای کوچک را عملاً بلعیده است. مغازه‌ای که زمانی ستون معیشت یک خانواده بود امروز در بسیاری موارد به مکانی برای انتظار، انباشت بدهی و فرسودگی روانی تبدیل شده است. بسیاری از فعالان صنفی اکنون درآمدی کمتر از یک کارگر ماهر صنعتی در یک شرکت متوسط دارند، بی‌آنکه از امنیت شغلی، بیمه واقعی یا چشم‌انداز روشن آینده برخوردار باشند. هم‌زمان، کاهش درآمدهای نفتی و افت توان دولت در تزریق منابع به اقتصاد، فشار را دوچندان کرده است. صنوفی که در دهه‌های گذشته به‌طور غیرمستقیم از رونق عمومی اقتصاد و گردش پول منتفع می‌شدند، امروز در حاشیه‌ای ایستاده‌اند که نه دیده می‌شود و نه شنیده. طبیعی است که چنین وضعیتی به نارضایتی منجر شود؛ و تصادفی نیست که در سال‌های اخیر، هر جا که «بازار» معنا داشته، نشانه‌هایی از اعتراض و ناآرامی دیده شده است. امروز، ۱۶ دی، در تهران تقریباً هرجا نام بازار بر خود داشت، صدای اعتراض از آن به گوش می‌رسید. نکته مهم‌تر، دگرگونی هویتی این طبقه است. دیگر نمی‌توان بازار امروز را با بازار دهه ۵۰ شمسی یکی دانست؛ نه از نظر اقتصادی، نه اجتماعی و نه حتی از حیث باورها و پیوندهای سیاسی. این قشر بیش از آنکه حامل یک سنت ایدئولوژیک باشد، حامل اضطراب معیشت است. وقتی دخل‌وخرج با هم نمی‌خواند، خاطره تاریخی و وفاداری نمادین جای خود را به مطالبه زیست روزمره می‌دهد. با این همه در تحلیل‌های کلان و تصمیمات سیاسی، این گروه بزرگ اجتماعی اغلب غایب است. نه در طراحی سیاست‌های حمایتی جای روشنی دارد، نه در اصلاحات مالیاتی و نه در برنامه‌های گذار اقتصادی. حتی نمایندگان صنوف نیز اغلب با سازوکارهای شفاف و پاسخ‌گو انتخاب نمی‌شوند. گویی میان رابطه «دولت و کارگر» از یک‌سو و «دولت و بنگاه‌های حقوقی متوسط و بزرگ» از سوی دیگر، این لایه وسیع میانی از نظرها محو شده است. غفلت از این واقعیت صرفاً یک خطای تحلیلی نیست؛ خطری جدی برای ثبات اجتماعی است. اقتصادی که طبقه صنفی‌اش فرسوده، ناام و بی‌پناه شده، دیر یا زود هزینه آن را در خیابان، در کاهش اعتماد عمومی و در فرسایش سرمایه اجتماعی خواهد پرداخت. بدون ثبات اقتصادی، بازار از یک نهاد مولد و تنظیم‌گر به فضایی عصبی، کوتاه‌مدت و تدافعی تبدیل می‌شود. نخستین پیامد بی‌ثباتی، فروپاشی قابلیت پیش‌بینی است؛ بازاری که نتواند قیمت خرید، هزینه‌ها، نرخ ارز یا مقررات فرای خود را حدس بزند از معامله فعال فاصله می‌گیرد. در چنین شرایطی، فروش جای خود را به «صبر» می‌دهد، سرمایه در گردش قفل می‌شود و دادوستد به حداقل می‌رسد. بازار به‌جای تولید ارزش به محلی برای انتظار و تعلیق بدل می‌شود. رفتارهای محافظه‌کارانه و غیرمولد گسترش می‌یابد. بازاریان به‌جای توسعه کسب‌وکار، به نگهداری کالا، تبدیل دارایی به ارز یا طلا و کاهش تعهدات تجاری روی می‌آورند. اعتماد، که ستون فقرات بازار است، فرسایش می‌یابد؛ روابط اعتباری کوتاه می‌شود، چک و نسیه جای خود را به معامله نقدی می‌دهد و شبکه‌های همکاری از هم می‌پاشند. نتیجه آن است که حتی کسب‌وکارهای سالم نیز در فضای بی‌اعتمادی آسیب می‌بینند.

# بازار نفت زیر فشار عرضه

## ایران چند میلیون بشکه نفت روی آب دارد؟

### مهتا معرفت

گروه اقتصاد

براساس برآوردهای تازه مؤسسه کپلر، حدود ۸۲ میلیون بشکه نفت‌خام در حال حاضر در تانکرها و به‌صورت شناور در آب‌های اطراف چین و مالزی نگهداری می‌شود؛ حجمی کم‌سابقه که نشانه‌ای از مازاد عرضه و دشواری فروش در بازار جهانی نفت است. طبق این برآورد، حدود یک‌چهارم از این نفت شناور متعلق به ونزولاست و بخش عمده باقی‌مانده به صادرات ایران اختصاص دارد. انباشت چنین حجمی از نفت روی دریا به‌خودی‌خود، فشار کاهشی بر قیمت‌ها وارد می‌کند زیرا نشان می‌دهد، عرضه از تقاضای مؤثر پیشی گرفته و تولیدکنندگان برای یافتن خریدار ناچار به انعطاف بیشتر در قیمت هستند.

کپلر گزارش می‌دهد که ایران در شرایط کنونی نفت خود را با تخفیفی حدود ۸ دلار نسبت به قیمت برنت به فروش می‌رساند؛ تخفیفی که نه از موضع انتخاب بلکه نتیجه رقابت فشرده میان عرضه‌کنندگان تحت تحریم و محدودیت‌های لجستیکی است. وقتی حجم بالایی از نفت به‌جای ورود سریع به پالایشگاه‌ها،

هفته‌ها و حتی ماه‌ها روی آب باقی می‌ماند، هزینه نگهداری افزایش می‌یابد و فروشنده برای آزادسازی محموله‌ها ناچار به کاهش قیمت می‌شود. این وضعیت به‌ویژه در بازار آسیا، که مقصد اصلی نفت ایران و ونزولاست، تشدید شده و باعث شده تا پالایشگران دست بالا را در مذاکره داشته باشند.

کاهش قیمت‌ها در هفته‌های اخیر را باید در ترکیب چند عامل جست‌وجو کرد. از یک‌سو، رشد تقاضای جهانی نفت ضعیف‌تر از پیش‌بینی‌ها بوده است؛ اقتصاد چین به‌عنوان بزرگ‌ترین موتور رشد تقاضا، نشانه‌های روشنی از شتاب‌گیری مصرف نشان نمی‌دهد و در سایر اقتصادهای بزرگ نیز نگرانی از رکود یا رشد پایین همچنان پابرجاست. از سوی دیگر، عرضه جهانی به‌رغم تنش‌های ژئوپلیتیک دچار اختلال پایدار نشده است. تولید آمریکا در سطوح بالا باقی مانده، روسیه و ایران توانسته‌اند با روش‌های مختلف، صادرات خود را حفظ کنند و بازگشت تدریجی نفت برخی تولیدکنندگان محدودشده، چشم‌انداز مازاد عرضه را تقویت کرده است. در چنین فضای، وقایع اخیر ونزولا نیز نتوانستند آنگونه که انتظار می‌رفت، قیمت نفت را بالا ببرند. هرچند هرگونه اختلال در صادرات ونزولا در کوتاه‌مدت می‌تواند بخشی از عرضه بازار را کاهش دهد اما بازار نفت به

### دیدگاه: تحلیل اقتصادی

## قهر دو شاخص

### چرا شاخص هم‌وزن با کاهش مواجه شد؟

### نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

معاملات بورس ایران در روز چهارشنبه ۱۷ دی ۱۴۰۴ در حالی به پایان رسید که بازار بار دیگر دو رفتار متفاوت را به نمایش گذاشت. شاخص کل بورس با اتکا به نمادهای بزرگ و شاخص‌ساز در محدوده مثبت باقی ماند اما فشار عرضه در بدنه بازار به ویژه سهام کوچک و متوسط، شاخص کل هم‌وزن را به محدوده منفی سوق داد.

این واگرایی نشان داد که جریان نقدینگی به‌صورت هدفمند در حال حرکت میان صنایع و نمادهای خاص است.

در پایان معاملات دیروز، شاخص کل بورس با رشد ۷۲ هزار و ۷۳۲ واحدی معادل ۱٫۷ درصد به سطح ۴ میلیون

این جمع‌بندی رسیده که این خلأ به‌سرعت قابل جبران است. طبق ارزیابی کپلر، اگر صادرات ونزولا با مشکل مواجه شود، در کوتاه‌مدت ایران و روسیه فرصت خواهند داشت سهم بیشتری از بازار، به‌ویژه در آسیا، را به‌دست آورند. همین انتظار از جایگزینی سریع عرضه، باعث شده معامله‌گران، واکنش قیمتی شدیدی به اخبار ونزولا نشان ندهند.

افزون بر این، تجربه سال‌های اخیر نشان داده که اختلال‌های نفتی ونزولا اغلب موقتی هستند و با تغییرات سیاسی یا توافق‌های مقطعی، بخشی از تولید و صادرات این کشور دوباره به بازار بازمی‌گردد. بازارهای جهانی، که بیش از گذشته آینده‌نگر شده‌اند، بیش از آنکه به شوک‌های کوتاه‌مدت واکنش نشان دهند به چشم‌انداز میان‌مدت عرضه



نگاه می‌کنند. در این چشم‌انداز، بازگشت نفت ونزولا و حتی افزایش تولید آن در کنار تداوم صادرات ایران و روسیه، به‌معنای تشدید رقابت و فشار بیشتر بر قیمت‌هاست.

بر همین اساس، کپلر هشدار می‌دهد که اگرچه در کوتاه‌مدت ممکن است، اختلال در صادرات ونزولا فرصتی برای ایران و روسیه ایجاد کند اما در میان‌مدت با بازگشت نفت ونزولا و افزایش ظرفیت تولید، فضای بازار برای این دو کشور سخت‌تر خواهد شد. افزایش عرضه در شرایطی که رشد تقاضا محدود است، به رقابت شدیدتر قیمتی و تخفیف‌های بیشتر منجر می‌شود. انباشت ۸۲ میلیون بشکه نفت روی دریا نیز نشانه‌ای روشن از همین عدم توازن است؛ عدم توازن که فعلاً اجازه نمی‌دهد اخبار سیاسی، حتی در کشورهایی مانند ونزولا، اثر افزایشی پایدار بر قیمت نفت بگذارد. احتمال کاهش بیشتر قیمت نفت در کوتاه‌مدت و حتی میان‌مدت همچنان وجود دارد، هرچند این مسیر خطی و بدون نوسان نخواهد بود.

### چشم‌انداز بازار نفت

آنچه در حال حاضر بر بازار نفت سایه انداخته، نه یک عامل مقطعی بلکه ترکیبی از مازاد عرضه، ضعف تقاضای جهانی و تغییر انتظارات معامله‌گران است. تا زمانی که این

سه متغیر به‌طور هم‌زمان تغییر نکنند، فشار کاهشی بر قیمت‌ها پابرجا می‌ماند.

از سمت عرضه، بازار با وفور نسبی نفت مواجه است. تولید آمریکا در سطوح بالایی تثبیت شده، روسیه و ایران به‌رغم محدودیت‌ها، صادرات خود را حفظ کرده‌اند و نفت تحریمی با تخفیف‌های قابل توجه راهی بازار آسیا می‌شود. علاوه بر این، حجم بالای نفت ذخیره‌شده روی آب که نشانه‌ای از دشواری فروش و مازاد عرضه است مانند یک ذخیره پنهان عمل می‌کند که هر زمان قیمت‌ها اندکی بالا برود، می‌تواند وارد بازار شده و مانع رشد بیشتر قیمت‌ها شود. همین عامل، سقف روانی قیمت نفت را در ماه‌های آینده پایین نگه می‌دارد.

از سمت تقاضا نیز نشانه‌های قدرتمندی برای جهش مصرف دیده نمی‌شود. رشد اقتصادی چین شکننده است، اروپا همچنان با رشد پایین دست‌و‌پنجه نرم می‌کند و در آمریکا نیز نگرانی از کندی اقتصاد و سیاست‌های پولی انقباضی، چشم‌انداز مصرف انرژی را محدود کرده است. در چنین شرایطی حتی فصل‌های پرمصرف یا تنش‌های ژئوپلیتیک، تنها می‌توانند نوسانات کوتاه‌مدت ایجاد کنند، نه یک روند صعودی پایدار. نکته مهم دیگر، تغییر رفتار بازار نفت است. معامله‌گران امروز بیش از گذشته به چشم‌انداز میان‌مدت نگاه می‌کنند. حتی اگر اختلالی در عرضه یک کشور

رخ دهد، بازار بلافاصله این پرسش را مطرح می‌کند که چه کسی و با چه سرعتی می‌تواند این نفت را جایگزین کند. وقتی پاسخ این پرسش ایران، روسیه، آمریکا یا ذخایر شناور باشد، واکنش قیمتی محدود می‌شود. به همین دلیل است معنادار بالا ببرند. با این حال، کاهش قیمت نیز بدون حد و مرز نیست. اوپک‌پلاس همچنان ابزارهایی برای مدیریت عرضه در اختیار دارد و اگر افت قیمت‌ها به سطحی برسد که منافع تولیدکنندگان اصلی را تهدید کند، احتمال مداخله و کاهش تولید وجود دارد. همچنین هر شوک غیرمنتظره و گسترده مانند اختلال بزرگ در تگه‌های حیاتی یا بحران ژئوپلیتیک فراگیر، می‌تواند موقتاً مسیر قیمت را تغییر دهد. به عقیده ناظران بازار نفت، مادامی که مازاد عرضه پابرجاست، نفت روی آب انباشته شده، تخفیف‌ها ادامه دارد و تقاضای جهانی نشانه‌ای از جهش نشان نمی‌دهد، ریسک کاهش بیشتر قیمت نفت از ریسک افزایش آن بیشتر است. بازار نفت فعلاً در وضعیتی قرار دارد که خبرهای منفی را سریع جذب می‌کند و به خبرهای مثبت با احتیاط و تردید واکنش نشان می‌دهد؛ وضعیتی که معمولاً به نفع تداوم یا تعمیق روند کاهشی تمام می‌شود.

است. این داده‌ها بیانگر برتری فروشندگان نسبت به خریداران و احتیاط معامله‌گران خرد در ورود مجدد به بازار است.

همچنین خروج پول حقیقی از بازار سهام ۱ هزار و ۷۹۳ میلیارد تومان ثبت شد که نشان می‌دهد، بخشی از سرمایه‌های خرد ترجیح داده‌اند از بازار خارج شوند یا به حاشیه امن‌تری منتقل شوند. این رفتار در کنار افزایش تعداد نمادهای منفی نشانه‌ای از تداوم فضای پریعرضه در بخش قابل‌توجهی از بازار است. نکته قابل توجه دیگر در معاملات دیروز، تداوم خروج پول از صندوق‌های درآمد ثابت است. بر اساس آمار منتشرشده، ورود پول به این صندوق‌ها منفی ۱ هزار و ۷۰۵ میلیارد تومان بوده که می‌تواند، نشانه جابه‌جایی سرمایه میان ابزارهای مالی مختلف باشد. این موضوع می‌تواند، بیانگر افزایش ریسک‌پذیری بخشی از سرمایه‌گذاران باشد.

در پایان معاملات، تعداد نمادهای منفی بازار با ۵۲۴ نماد به‌طور محسوس‌تری بیشتر از نمادهای مثبت با ۳۰۰ نماد بود. ارزش سفارش‌های خرید حدود ۱۰ هزار و ۶۳۴ میلیارد تومان و ارزش سفارش‌های فروش نزدیک به ۱ هزار و ۹۲۴ میلیارد تومان ثبت شد. همچنین تعداد صف‌های فروش با ۳۲۷ صف، اختلاف قابل توجهی با صف‌های خرید که ۱۳۵ صف بود، نشان می‌دهد. این آمار تأیید می‌کند که به‌رغم رشد شاخص کل، فضای کلی بازار همچنان تحت‌تأثیر عرضه قرار دارد.



# خط و نشان

## فرمانده انتظامی کشور و رئیس قوه قضائیه می گویند دیگر در برابر ناآرامی‌ها ارفاق نمی کنند

**گروه اجتماعی:** همزمان با تشدید نوسانات بازار ارز و عبور نرخ دلار از سطوحی بی‌سابقه، فضای اقتصادی و اجتماعی کشور در روزهای اخیر وارد مرحله‌ای پرتنش شده است. فشارهای معیشتی، کاهش قدرت خرید و نااطمینانی نسبت به آینده، به‌ویژه در میان بازاریان و برخی صنوف، زمینه‌ساز شکل‌گیری تجمعات اعتراضی در تهران و تعدادی از شهرهای بزرگ شد. این اعتراضات که ابتدا با مطالبات اقتصادی و صنفی آغاز شد، اکنون با واکنش‌های هماهنگ و صریح مقامات ارشد انتظامی و قضایی همراه شده است.

### ریشه‌های اقتصادی اعتراضات؛ ارز در کانون بحران

بررسی میدانی تحولات اخیر نشان می‌دهد که جهش نرخ ارز و افت شدید ارزش پول ملی، نقش محوری در بروز اعتراضات داشته است. بی‌ثباتی بازار ارز، افزایش هزینه‌های تأمین کالا و نگرانی از تداوم این وضعیت، بسیاری از فعالان اقتصادی و بازاریان را به واکنش واداشته است. در همین چارچوب، غلامحسین محسنی‌اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه در سخنانش اخیر خود صراحتاً به این مسئله اشاره کرد و نوسانات ارزی را یکی از عوامل اصلی اعتراضات بعضاً به‌حق صنوف و بازاریان دانست. رئیس قوه قضائیه اعلام کرد که از بیش از یک ماه پیش، سازمان بازرسی کل کشور مأمور بررسی همه‌جانبه تحولات بازار ارز شده و یک هیات ویژه نیز برای رسیدگی فوق‌العاده به این موضوع تشکیل شده است. به گفته او، هرگونه تصمیم‌گیری قصور در مدیریت بازار ارز، بدون اغماض مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت و متخلفان باید پاسخگو باشند.

### شبکه

# حبس در وضعیت خاکستری

## روایت زمستانی که اینترنت در آن یخ زد



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

درحالی که سرمایه‌های سیاسی و اجتماعی کشور سایه انداخته، اختلال گسترده و کم‌سابقه‌ای در شبکه اینترنت ایران، زیست دیجیتال میلیون‌ها کاربر را به بن‌بست کشانده است. طی روزهای گذشته، آنچه در میان کاربران به «اینترنت قطره‌چکانی» یا «وضعیت خاکستری» شهرت یافته به اوج خود رسیده است؛ وضعیتی که در آن دسترسی به شبکه جهانی نه به‌طور کامل قطع می‌شود تا واکنش‌های انفجاری ایجاد کند و نه آنقدر پایدار می‌ماند که بتوان یک تراکش ساده بانکی یا فعالیت شغلی معمول را به سرانجام رساند. از شامگاه سه‌شنبه ۱۶ دی ماه گزارش‌ها نشان می‌دهند که این اختلالات از مرز هشدار عبور کرده و مستقیماً قلب اقتصاد دیجیتال و معیشت مردم را هدف قرار داده است.

### اختلالی که بر آمارها نشست

برخلاف نوبت‌های پیشین که مسئولان وزارت ارتباطات، اختلال‌ها را به «قطعی فبر نوری در خارج از مرزها» یا «اشباع ترافیک» نسبت می‌دادند این بار داده‌های سخت‌افزاری و سامانه‌های نظارت بین‌المللی، فرضیه مداخلات هدفمند را تقویت می‌کنند. رادارهای «کلودفلر» نشان می‌دهند که حجم ترافیک ورودی و خروجی ایران در روزهای اخیر با افت چشمگیر ۳۰ تا ۳۵ درصدی مواجه شده است. متخصصان شبکه بر این باورند که این سقوط آماری، نتیجه مستقیم مداخله در پروتکل‌های رمزنگاری شده و گلوگاه‌های خدمات ابری است. از آنجا که بخش بزرگی از وبسایت‌ها و ابزارهای عبور از فیلترینگ به این زیرساخت‌ها متکی هستند، هرگونه نوسان عمدی در این نقاط دسترسی به اینترنت آزاد را برای کاربرانی که بدنبال دور زدن محدودیت‌ها هستند عملاً غیرممکن کرده است. این اختلالات فنی، پیامدهای فوری خود را در بخش فین‌تک نشان داده است. مهدی عبادی، مدیرعامل «وندار» با انتشار داده‌هایی از کاهش

**عبور اعتراض از مطالبات اقتصادی**  
با وجود اذعان رسمی به زمینه‌های اقتصادی اعتراضات، مقامات انتظامی و قضایی معتقدند که بخشی از تجمعات اخیر در مقطعی از مسیر مطالبات صنفی خارج شده است. به اعتقاد آنها در میان جمعیت معترضان، هسته‌هایی سازمان‌یافته حضور داشته‌اند که با طرح شعارها و اقدامات متفاوت تلاش کرده‌اند، فضا را به سمت ناآرامی و آشوب سوق دهند. همین تحلیل، مبنای تفکیک جدی میان «اعتراض» و «اغتشاش» در مواضع رسمی قرار گرفته است.

### مدل سه‌لایه فراجا برای مواجهه با ناآرامی‌ها

در این فضا، احمدرضا رادان، فرمانده کل فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی، در تشریح راهبرد پلیس برای مدیریت شرایط اخیر، از یک مدل سه‌لایه سخن گفت. به گفته او، لایه نخست ناآرامی‌ها را «برنامه‌نویسان اغتشاش» تشکیل می‌دهند؛ افرادی که به‌زعم فراجا، وابستگی‌هایی به سرویس‌های بیگانه دارند و نقش طراحی و هدایت کلان ناآرامی‌ها را ایفا می‌کنند. لایه دوم، «ناشران» هستند که عمدتاً در فضای مجازی فعالیت و وظیفه انتشار فراخوان‌ها و خط‌دهی رسانه‌ای را برعهده دارند. لایه سوم نیز «مجریان میدانی» محسوب می‌شوند که این برنامه‌ها را در خیابان و کف جامعه اجرا می‌کنند. سردار رادان با تأکید بر این تفکیک، بار دیگر بر تمایز میان اعتراض قانونی و اغتشاش تأکید کرد و گفت، پلیس



تأمین امنیت، اعتراضات قانونی را وظیفه ذاتی خود می‌داند. با این حال، او صراحتاً اعلام کرد که در برابر اغتشاش و ناامنی، برخورد قاطع در دستور کار است. فرمانده فراجا بسا «اطمینان‌خاطر» به مردم گفت که پلیس تا «نفر آخر» اغتشاش‌گران همچنان نشردهندگان فراخوان‌های آشوب را شناسایی کرده و با آنها برخورد خواهد کرد.

### تأکید بر هم‌افزایی امنیتی و قضایی

در اظهارات سردار رادان بر همکاری نزدیک نیروی انتظامی با دستگاه قضایی و سایر نهادهای امنیتی نیز تأکید شد. او تأمین امنیت مردم را مأموریتی مشترک دانست که بدون همراهی قوه قضائیه و مشارکت خود مردم به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. از نگاه فرمانده فراجا، تحولات اخیر بخشی از تلاش دشمنان خارجی برای ناامن‌سازی داخلی ارزیابی می‌شود؛ تلاشی که به گفته او، با هوشیاری نهادهای مسئول و همراهی جامعه، ناکام خواهد ماند.

### پایان مظاهرات از نگاه دستگاه قضا

در سوی دیگر، رئیس قوه قضائیه نیز با لحنی صریح، پیام روشنی درباره نحوه برخورد با بازداشت‌شدگان مخبره کرده است. محسنی‌اژه‌ای با اشاره به حمایت‌های علنی آمریکا و اسرائیل از ناآرامی‌های اخیر، تأکید کرد که در شرایط کنونی

این جهت را روایت می‌کند. افشین کلاهی، فعال حوزه فناوری اطلاعات، معتقد است که وزارت ارتباطات در این ماجرا بیشتر نقش «مجری دستورات» را دارد تا تصمیم‌گیر. به گفته او، وقتی تصمیم‌گیری درباره کیفیت اینترنت از روال فنی خارج و به نهادهای امنیتی سپرده می‌شود، «عدم قطعیت» بر بازار حاکم شده و فرار سرمایه و مهاجرت نخبگان فناوری تشدید می‌شود. سرمایه‌گذار خارجی یا کارآفرین داخلی در محیطی که اینترنت آن «نه قطع است و نه پایدار» قادر به برنامه‌ریزی حتی برای ماه آینده نخواهد بود. در این میان، برنده اصلی این اختلالات، «مافیای فیلترشکن» است. با کار افتادن وی‌پی‌ان‌های رایگان، بازار سیاه فروش ابزارهای عبور از فیلتر با گردش مالی سالانه ده‌ها هزار میلیارد تومان، بار دیگر رونق گرفته است. وزیر ارتباطات خود از این وضعیت به‌عنوان یک «بازار مکاره» یاد کرده اما پرسش اساسی اینجاست که چرا ذی‌نفعان این تجارت پرسود، که حتی از درگاه‌های پرداخت داخلی استفاده می‌کنند، همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهند؟ بسیاری از کاربران در شبکه‌های اجتماعی، این وضعیت را نوعی «مالیات پنهان» بر دسترسی به اطلاعات توصیف کرده‌اند.

### فرجام اینترنت؛ امنیت به قیمت انزوا؟

از منظر اجتماعی، تداوم این اختلالات باعث شکل‌گیری نوعی «شکاف دیجیتال» و نارضایتی عمیق شده است. اصطلاح «اینترنت طبقه‌بندی» این روزها بیش از هر زمان دیگری در محافل رسانه‌ای شنیده می‌شود؛ اشاره به اینکه ظاهراً دسترسی به اینترنت آزاد و پرسرعت تنها برای قشر خاصی از مسئولان و وابستگان فراهم است درحالی که عامه مردم باید با فیلترشکن‌های گران‌قیمت و سرعت‌های زیر یک مگابیت تقلا کنند. سیدمه‌کامه شریف‌زاد، فعال حوزه بلاکچین، هشدار می‌دهد که عادی‌سازی اختلال به‌عنوان یک رویه مدیریتی، ریسک‌های امنیت سایبری را نیز افزایش می‌دهد؛ چرا که کاربران در ناامیدی از شبکه رسمی به سمت ابزارهای ناامن رانده می‌شوند که بستر مناسبی برای فیشینگ و حملات سایبری است. در نهایت اینکه تداوم اختلالات هدفمند شاید در کوتاه‌مدت ابزاری برای مدیریت شرایط امنیتی باشد اما در میان‌مدت، زیرساخت‌های توسعه کشور را ویران خواهد کرد. شبکه ملی اطلاعات زمانی می‌تواند به اهداف خود برسد که تسهیل‌کننده باشد نه سدی در برابر ارتباطات جهانی. اگر شفاف‌سازی فوری درباره زمان بازگشت به وضعیت عادی صورت نگیرد، زمستان اینترنت ایران می‌تواند به بهاری برای مهاجرت باقی‌مانده استعدادها و دیجیتال و فروپاشی کامل اعتماد عمومی به زیرساخت‌های ملی تبدیل شود.

### پارادوکس اقتصاد دیجیتال و بازار مکاره؛ فیلترینگ

درحالی که در اسناد بالادستی و برنامه هفتم توسعه، هدف‌گذاری برای رسیدن سهم اقتصاد دیجیتال به ۱۰ درصد از تولید ناخالص داخلی به چشم می‌خورد، واقعیت خیابان خلاف



دیگر ادعای «فرب‌خوردگی» پذیرفتنی نیست. او تصریح کرد اگر در مقاطع پیشین به برخی افراد فرصت یا ارفاق داده می‌شد، در وضعیت فعلی چنین رویکردی کنار گذاشته شده و مماشانی در کار نخواهد بود.

### شعب ویژه و محاکمه سریع

براساس دستورات جدید رئیس قوه قضائیه، مجموعه‌ای از تمهیدات برای تسریع و تشدید روند رسیدگی به پرونده‌های مرتبط با اغتشاشات در نظر گرفته شده است. مهم‌ترین این اقدامات، تشکیل شعب ویژه قضایی با حضور قضات مجرب برای رسیدگی سریع، دقیق و قاطع به پرونده‌هاست. همچنین به مقامات قضایی ذی‌صلاح تأکید شده که در صورت لزوم در صحنه حضور یابند و بدون واسطه در جریان تحولات میدانی قرار گیرند تا مستندسازی پرونده‌ها از همان مراحل اولیه با دقت بیشتری انجام شود. محسنی‌اژه‌ای همچنین بر ضرورت جلوگیری از اطاله دادرسی تأکید کرده و گفته است که محاکمه و صدور حکم برای عناصر آشوبگر نباید به ماه‌های آینده موکول شود؛ چراکه از منظر دستگاه قضا، تأخیر در رسیدگی اثر بازدارندگی برخورد را کاهش می‌دهد. در عین حال، او بر پایش دقیق بازداشت‌شدگان تأکید کرده و خواستار تفکیک میان عناصر اصلی اغتشاش و افرادی شده است که نقشی در ناآرامی‌ها نداشته یا صرفاً رهگذر بوده‌اند.

### سلامت

## خروج اطباء

### ۳۰۰۰۰ پزشک از چرخه طبابت به دلایل اقتصادی خارج شدند

رئیس کل سازمان نظام پزشکی با هشدار صریح نسبت به سیاست افزایش ظرفیت پذیرش دانشجوی پزشکی از بروز یک بحران عمیق و چندلایه در نظام سلامت کشور خبر داد؛ بحرانی که به گفته او نمتها کمبود پزشک را جبران نکرده بلکه کیفیت آموزش پزشکی و انگیزه ماندگاری در حرفه طبابت را به شدت تضعیف کرده است. محمد رئیس‌زاده در نشست هم‌اندیشی افزایش ظرفیت پزشکی اعلام کرد که طی نزدیک به ۹۰ سال از تأسیس دانشکده پزشکی تهران در سال ۱۳۱۳ تا سال ۱۴۰۰ ظرفیت پذیرش دانشجوی پزشکی به‌تدریج و متناسب با زیرساخت‌ها به حدود ۸۵۰۰ نفر رسید؛ اما در چهار سال اخیر بدون فراهم‌سازی الزامات آموزشی همین میزان ظرفیت دوباره به سیستم افزوده شده است. به گفته او، این رشد شتاب‌زده «خطای استراتژیک» است و هشدار قرمز برای سلامت ملی به‌شمار می‌آید. او با اشاره به دو بحران موازی، تأکید کرد: از یک‌سو، کیفیت آموزش پزشکی به دلیل کمبود هیات علمی، فضای آموزشی و تجهیزات در حال فرسایش است و از سوی دیگر، ظرفیت رشته‌های حیاتی تخصصی خالی مانده است. آمارهای آزمون دستیاری سال جاری گویای این واقعیت هستند؛ به‌گونه‌ای که تنها ۱۰ درصد ظرفیت طب اورژانس، ۲۲ درصد اطفال، ۳۲ درصد بیوشیمی و ۱۵ درصد عفونی تکمیل شده و در مجموع بیش از ۲۰۰۰ صندلی دستیاری خالی مانده است. این درحالی است که بنا به اعلام سازمان نظام پزشکی، کشور با کمبود مطلق پزشک مواجه نیست. وجود بیش از ۱۰۷ هزار پزشک عمومی و حدود ۶۹ هزار پزشک متخصص و بالاتر نشان می‌دهد مسئله اصلی توزیع نامتوازن، نبود انگیزه و سیاست‌گذاری نادرست است. رئیس‌زاده همچنین از خروج دست‌کم ۳۰ هزار پزشک از چرخه طبابت به دلیل شرایط ناپایدار اقتصادی و نبود چشم‌انداز شغلی خبر داد؛ پدیده‌ای که پیامد مستقیم کاهش انگیزه و بی‌تاسی مسئولیت‌ها به‌عنوان نتیجه به اعتقاد رئیس کل سازمان نظام پزشکی، افزایش کمی بدون توجه به کیفیت، تنها به تولید پزشکان عمومی بی‌چشم‌انداز منجر شده است؛ پزشکی که نه جذب تخصص می‌شوند و نه جایگاه روشنی در نظام سلامت دارند. او در پایان خواستار بازنگری فوری در این سیاست‌ها شد و از نهادهای نظارتی و رسانه‌ها خواست تا در روشن‌نگری درباره این خطای استراتژیک و پیامدهای آن برای آینده سلامت ایران، نقش فعال‌تری ایفا کنند.

**سازندگی:** روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقلتعی • سردبیر: اکبر منتجبی  
زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌زاده، امیر اقلتعی

مدیرهنری: رضا دولتزاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آرین‌فر • حروفچین: سحر خسروچردی • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۲۴۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

## ادامه تیتربیک

## کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اخلاق ۳۰۸

### جمعه ۲۶ اسفند

### سالگرد رحلت احمدآقا

برای نماز جمعه، به مرقد امام رفقیم که به مناسبت سالگرد رحلت احمدآقا در مرقد [امام خمینی (ره)] برگزار شد. رهبری، خطبه‌ها را خواندند و نماز جمعه را و من نماز عصر را [اقامه کردم]. رهبری در صحبت‌هایشان، حمایت خارجی‌ها از جناح دوم خرداد را محکوم کردند و با نقل حرف امام در این خصوص، خواستند که افراد مورد حمایت به گونه‌ای موضع‌گیری کنند که اجانب از ایجاد شکاف بین مسئولان مأیوس شوند و گفتند با این وضع درگیری‌ها، کار مهم و اساسی در کشور قابل انجام نیست. عفت هم آمده بود و گفت، خانواده‌های بستگان امام، به فیلمی که در مورد زندگی امام، این روزها از سیما پخش می‌شود، انتقاد داشته و گفته‌اند، خانواده‌های دیگر هم ناراضی‌اند و مطالب آن را ناحق می‌دانند.

شب، بستگان میهمان‌مان بودند. عفت، کله‌پاچه پخته بود. در مسایلی جهانی در عربستان با کشتن دو نفر مأمور سعودی، به هواپیمایی روسیه پایان دادند. دادگاه لاهه در مورد اختلافات قطر و بحرین بر سر چند جزیره، حکمی صادر کرد؛ جزایر حواری را به بحرین و جزیره الزبیره و جنان و فشت‌الدلیل را به قطر داد. رییس بحرین، این حکم را پیروزی بحرین نامید و امیر قطر ضمن اظهار تأسّف از حکم دادگاه در مورد جزیره حواری و از گرفتن دو جزیره کوچک، ابراز رضایت کرد و هر دو کشور از ختم نزاع راضی هستند.

در مقدونیه، درگیری بین آلبانی‌تبارها و مأموران مقدونیه، بالکان را بار دیگر دچار تشنج کرده و ناتو را به زحمت انداخته است. در هند، مسأله رشوه گرفتن وزیر دفاع، باعث بحران وسیع سیاسی شده است. مجلس هند، برای سه روز تعطیل شده و چند وزیر استعفا دادند و کابینه دولت، در معرض سقوط است. در پاکستان، [ژنرال پرویز مشرف]، رییس نظامی، تصمیم گرفته است که با سران گروه‌های فرقه‌گرا برخورد کند و جمعی از سران شیعه و سنی را گرفته است. ۳۰ نفر از نمایندگان مجلس آمریکا از دولت خواسته‌اند که روسیه را به خاطر فروش سلاح به ایران و همکاری هسته‌ای تحت فشار قرار دهد. بیماری تب برفکی، اروپا و بسیاری از کشورها را دچار مشکل کرده است.

### شنبه ۲۷ اسفند

### پیشنهاد مسیح مهاجری

آقایان احمد منتظری و [محمدعلی] ایازی آمدند و با ابلاغ پیام [خانم ماسسلطان ربانی]، همسر آیت‌الله منتظری برای حل مشکل سعید منتظری که بازداشت شده، استمداد کردند. گفتیم، آیت‌الله منتظری، چه هدفی را با نشر خاطرات، همراه با اهانت به امام و خوشحال کردن دشمنان دنبال می‌کنند؟ گفتند، می‌تواند عکس‌العمل فشارهای زیاد باشد و بسیاری از دوستان ایشان هم موافق نیستند و کتابی آوردند که مجموعه بیانات، اعلامیه‌ها و سخنرانی‌های آیت‌الله منتظری در دوران حصر را جمع‌آوری کرده‌اند. گفتند، وضع روحی خانواده بد است. آقای سیدجعفر شبیری، از قضات دیوان عالی کشور آمد و از اوضاع جاری کشور اظهار نگرانی کرد و خاطراتی از فتنه [ابوالحسن] بنی‌صدر، [رییس‌جمهور اسبق ایران] و حمایت آن روز روحانیت از او و انشعاب مجمع روحانیون و... را مطرح کرد؛ برای تشبیه وضع موجود به آن زمان و خطر تضعیف قوه قضاییه، بعد از تضعیف اطلاعات و ناچا [= نینروی انتظامی] و رهبری را گفت و از من خواست که مثل گذشته، برای نجات کشور، نقش ایفا کنم. از دوستان قدیمی، قبل از انقلاب است.

آقای مسیح مهاجری، [مشاور رییس‌جمهور و مدیرمسئول روزنامه جمهوری اسلامی] آمد و گفت، در محافل مستقل کشور، راه نجات انقلاب را منحصر در پذیرفتن مسئولیت ریاست‌جمهوری از سوی شما می‌دانند؛ مثل وضع بعد از جنگ. گفتیم، اصلاً آمادگی برای این مسئولیت ندارم. خواستار انتشار خاطرات ۱۳۶۱ من در روزنامه جمهوری اسلامی شد.

# در همسایگی آتش

## سیاست به‌مثابه مهار بحران

نقش هاشمی را نمی‌توان به یک دوره یا یک منصب فروکاست. او هم در سال‌های جنگ، هم در دوران سازندگی، هم در سال‌های اصلاحات و حتی در دهه پایانی عمرش، کنشگری بحران‌محور بود. هنر او نه در تولید ایده‌های بزرگ نظری، که در تشخیص لحظه‌های خطر و کاستن از هزینه‌ها بود. سیاست هاشمی، همان‌طور که از خاطرات روزانه‌اش برمی‌آید، مجموعه‌ای از انتخاب‌های خاکستری بود؛ انتخاب میان بد و بدتر، میان هزینه کمتر و فاجعه بزرگ‌تر. خاطرات سال ۱۳۸۲ که اکنون قرار است در ادامه روزنوشت‌های او تحت‌عنوان «در همسایگی آتش» منتشر شود، یکی از بهترین منابع برای فهم این منطق است. آن سال، ایران در محاصره بحران‌ها بود. آمریکا به عراق حمله کرده بود و ارتشش تا مرزهای ایران پیش آمده بود؛ پرونده هسته‌ای از یک موضوع فنی به یک بحران بین‌المللی بدل شده بود؛ شکاف‌های داخلی میان اصلاح‌طلبان و اصولگرایان به مرحله بحرانی رسیده بود؛ و جامعه، زیر فشار ناامیدی سیاسی و بن‌بست، آرام‌آرام منتهم می‌شد. هاشمی در این میان، نه در قدرت اجرایی بود و نه در رأس نهادهای امنیتی اما در مرکز نقل تصمیم‌سازی ایستاده بود؛ همان جایی که تجربه، حافظه تاریخی و شبکه روابط اهمیت پیدا می‌کند.

در مواجهه با جنگ عراق، هاشمی از جمله چهره‌هایی بود که به‌صراحت از خطرات نظم جدیدی که آمریکا می‌خواست بر منطقه تحمیل کند، سخن گفت. او نه شیفته سقوط صدام شد و نه دچار توهم تضعیف قطعی آمریکا. تحلیل ساده بود. اینکه هرچ‌ومرج در همسایگی ایران، دیر یا زود دامن تهران را می‌گیرد. امروز با فاصله بیش از دو دهه، این پیش‌بینی دیگر محل مناقشه نیست. در پرونده هسته‌ای نیز همین منطق دیده می‌شود. هاشمی نه مخالف پیشرفت هسته‌ای بود و نه موافق ماجراجویی. او از همان ابتدا هشدار می‌داد که تبدیل یک پروژه ملی به ابزار رقابت جناحی، آن را به پاشنه آشیل کشور بدل می‌کند. حمایت و از توافق سعدآباد، نه از سر ساده‌لوحی، که تلاشی برای خرید زمان، کاستن از فشار، و جلوگیری از اجماع جهانی علیه ایران بود. خاطرات ۱۳۸۲ نشان می‌دهد که او چگونه در پشت‌صحنه میان نیروهای تندرو داخلی و فشارهای خارجی، نقش ضربه‌گیر را بازی می‌کرد.

در سیاست داخلی، هاشمی همواره در موقعیتی پارادوکسیکال بود. از سوی رادیکال‌های راست به «سازش‌کار» متهم می‌شد و از سوی بخشی از اصلاح‌طلبان به «حافظه‌کار». اما واقعیت این است که او زودتر از بسیاری فهمیده بود که انسداد سیاسی، مستقیماً به بحران اقتصادی و اجتماعی منجر می‌شود. تأکید مداوم او بر امنیت سرمایه، پرهیز از شعارهای فراری‌دهنده سرمایه و ضرورت اشتغال و سازندگی، نه یک ترجیح تکنوکراتیک بلکه واکنشی به تجربه جنگ و فروپاشی‌های منطقه‌ای بود. در سال ۱۳۸۲ هنگامی که مجلس ششم درگیر تحصن و نام‌نگاری بود و انتخابات مجلس هفتم به میدان حذف و ردصلاحت سیاسی کامل جلوگیری کند. نه از سر دفاع از یک جناح بلکه از ترس خلأ. خلأیی که امروز در قالب کاهش مشارکت، بی‌اعتمادی عمومی و رادیکال شدن حلقه‌های سیاسی به‌وضوح دیده می‌شود.

## اگر هاشمی امروز بود

با توجه به اتفاقات این روزها و البته بحران‌هایی که پس از مرگ او در کشور دیدیم، این سوال ناگزیر است که اگر هاشمی‌رفسنجانی امروز زنده بود و این بحران‌ها از جمله، جنبش زن، زندگی، آزادی، حوادث آبان ۹۸ یا همین بحران سیاسی اخیر که از اوایل دی‌ماه ۱۴۰۴ و پس از حذف ارز ترجیحی آغاز شده است را می‌دید، چه می‌کرد؟ او با اعتراضات گسترده، فشار اقتصادی ناشی از حذف ارز ترجیحی، تشدید شکاف دولت-ملت، بازگشت ترامپ و بن‌بست کامل گفت‌وگو با آمریکا و هم‌زمان قدرت گرفتن جریان‌های سلطنت‌طلب چه اندیشه و برنامه‌ای را در پیش می‌گرفت؟ پاسخ برخلاف تصور، در قهرمان‌سازی نیست.

هاشمی نه ناجی بود و نه معجزه‌گر. اما احتمالاً چند کار را هم‌زمان پیش می‌برد. پیش از هر تصمیمی قطعاً نمی‌گذاشت ایران به این نقطه برسد. چنانکه او هنگامی که حسن روحانی، رئیس‌جمهور بود، مشوق مؤثر امضای قرارداد برجام بود و حامی اصلی گفت‌وگوی رؤسای‌جمهور ایران و آمریکا. او کسی بود که از گفت‌وگوی تلفنی و سخنان ردوبدل شده بین او‌با‌ما و روحانی استقبال کرد. با این حال در شرایط امروز چه می‌کرد؟ به‌نظر می‌رسد که نخستین تلاشش، شکستن انسداد دیپلماتیک، حتی از کانال‌های غیررسمی و پرهزینه بود. او خوب می‌دانست که اقتصاد ایران بدون گشایش خارجی، تاب‌آوری محدودی دارد و فشار معیشتی، سوخت اصلی اعتراض است. دوم اینکه بنابر سیاست‌ها و روش‌هایی که داشت، فشارهای خود را برای ترمیم حداقلی اعتماد داخلی؛ و با تغییرات ملموس در سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی، از تعدیل شوک‌های قیمتی تا کاهش تنش‌های فرهنگی افزایش می‌داد. هنر دیگر هاشمی این بود که رادیکال‌های درون حاکمیت را مهار می‌کرد. اگرچه او همیشه آماج حملات این گروه از افراد بود، اما هاشمی با تجربه‌ای که داشت، می‌دانست چگونه می‌توان تدریجاً راه را، نه با حذف، بلکه با منزوی کردن تدریجی، بی‌اثر کند. اگر امروز رادیکالیسم به نقطه جوش خود رسیده است و دولت در بخشی از مشکلاتش با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند، به دلیل این است که برخی از اصولگرایان با دست فرمان وفاق، مهار رادیکال‌ها را سخت و حتی ناممکن کرده‌اند.

هنر دیگر هاشمی این بود که نسبت به خطر آلت‌رناتیوهای پرون‌زا هشدارهای صریحی می‌داد. او به‌خوبی می‌دانست که اعتراضات کور و کنترل‌نشده، نه به دموکراسی، که به بی‌ثباتی و مداخله خارجی می‌انجامد. برای دولت مسعود پزشکیان، دولتی که از یک‌سو با میراث بحران‌های انباشته و از سوی دیگر با بی‌اعتمادی آمریکا مواجه است، فقدان چنین شخصیتی پیش از هر زمان احساس می‌شود. پزشکیان، اگرچه از نظر گفتگمانی به اصلاحات نزدیک‌تر است، اما فاقد شبکه قدرت و وزن تاریخی هاشمی است.

## نگران یأس اکثریت مردم

هاشمی‌رفسنجانی سیاستمدار هشدار بود، نه سیاستمدار وعده. جمله‌ای که سال‌ها پیش در جمعی از سیاسیون گفت، امروز بیش از هر زمان دیگری طنین دارد و دقیقاً در همین چارچوب معنا پیدا می‌کند: «یأس اکثریت مردم، نسبت به آینده خطرناک است و لذا



کسانی که مسلط به امورد و همه امکانات، دست آنهاست، خیال نکنند که پیروزند. پیروزی‌ها، خیلی موقت و محدود به زمان و شرایط خاص است و عوض می‌شود...».

این جمله نه یک مؤعظه اخلاقی است و نه هشدار احساسی؛ یک گزاره عریان سیاسی است. هاشمی از تجربه‌ای حرف می‌زد که با گوشت و پوست لمس کرده بود. اینکه قدرت، ناگزیر است که با رضایت اجتماعی پیوند بخورد. او برخلاف برخی از سیاسیون، باور نداشت که کنترل نهادها، رسانه‌ها و منابع، معادل پیروزی پایدار است. از نظر او، یأس عمومی، آرام‌ترین و خطرناک‌ترین شکل اعتراض است؛ اعتراضی که در ابتدا خیابان ندارد، اما به خیابان می‌رسد و لحظه انفجارش قابل پیش‌بینی نیست.

یکی از تفاوت‌های بنیادین هاشمی با سیاستمداران ایدئولوژیک، حساسیت او به «حال‌وهوای جامعه» بود. در خاطر آتش بارها به نشانه‌هایی اشاره می‌کند که بسیاری از مسئولان آن را بی‌اهمیت می‌دانستند. مانند کاهش امید، خستگی مردم از وعده‌ها، بی‌اعتمادی به آینده و مهاجرت ذهنی پیش از مهاجرت فیزیکی. اینها از نظر هاشمی علامت اولیه بحران بودند، نه حاشیه‌های قابل چشم‌پوشی.

اگر امروز اعتراضات اقتصادی، سیاسی و هویتی در هم تیده شده‌اند، دقیقاً به این دلیل است که یأس، به یک احساس عمومی بدل شده است. حذف ارز ترجیحی، تورم افسارگسیخته و سقوط قدرت خرید، فقط محرک‌های اقتصادی نیستند؛ اینها ترجمان عینی یک پیام روانی‌اند که «آینده قابل پیش‌بینی نیست». هاشمی این نقطه را خوب می‌شناخت. برای همین همواره تأکید می‌کرد که اصلاح اقتصادی بدون افق سیاسی و امید اجتماعی، نته‌تها جواب نمی‌دهد بلکه خطرناک است.

یکی از خلاهای جدی امروز، فقدان چهره‌هایی است که بتوانند هم‌زمان با چند نسل حرف بزنند. هاشمی چنین قابلیتی داشت. او برای نسل انقلاب، چهره‌ای آشنا و مورد اعتماد بود؛ برای تکنوکرات‌ها، سیاستمداری عقل‌گرا؛ و برای بخشی از جامعه معترض، صدایی متفاوت از هسته سخت قدرت.

در بحران‌های امروز، شکاف نسلی به یکی از موتورهای ناراضی‌تی تبدیل شده است. نسل جدیدی که در جنبش مهسا با آن رویه‌رو بودیم و این روزها نیز کم و بیش آن را می‌بینیم، نه جنگ را دیده، نه سازندگی را و نه حتی امید اصلاحات را. با این نسل نمی‌توان با ادبیات دهه ۶۰ سخن گفت و بحران دهه ۱۴۰۰ را مدیریت کرد. قدرت گرفتن سلطنت‌طلبان در فضای رسانه‌ای خارج از کشور، بیش از آنکه نشانه قدرت آنها باشد، نشانه ضعف گفت‌وگو رسمی در داخل است. هاشمی این قاعده را می‌فهمید. آلت‌رناتیوهای ساده، زمانی جذاب می‌شوند که وضعیت موجود پیچیده، مبهم و فرساینده باشد. او هیچ‌گاه خطر این جریان‌ها را دست‌کم نمی‌گرفت، اما اغراق هم نمی‌کرد. تحلیلش روشن بود. اگر ما نتوانیم امید تولید کنیم، دیگران با نوستالژی این خلأ را پر می‌کنند.

هاشمی‌رفسنجانی بیش از آنکه سیاستمدار گذشته باشد، سیاستمدار «هشدار برای آینده» بود. امروز، در میانه اعتراضات، فشار خارجی، بحران اقتصادی و فرسایش اعتماد، بازخوانی سیاست‌های او نه از سر سنسایش وی، بلکه از سر نیاز است. جمله‌ای که درباره یأس مردم گفت، عصاره تجربه‌ای است که هنوز جدی گرفته نشده است: «هیچ حاکمیتی، صرفاً با در اختیار داشتن امکانات، پیروز نمی‌ماند». هاشمی نگران از دست رفتنش بود؛ امید. هاشمی‌رفسنجانی با همه تناقض‌ها و نقدهایی که به او وارد است، نماینده نسلی از سیاستمداران بود که بحران را می‌شناختند. نه شیفته آتش بودند و نه مرعوب آن؛ بلد بودند در همسایگی آتش زندگی کنند. امروز در نهمین سالگرد رفتن او، ایران دوباره در همسایگی آتش ایستاده است. پرسش اصلی این است که آیا این بار می‌تواند از این آتش عبور کند یا بار دیگر، هزینه‌ای می‌پردازد که سال‌ها بعد، در قالب خاطراتی تلخ، فقط می‌شود درباره‌اش نوشت؟